اقامه نماز

در دوران کودکی و نوجوانی

دکتر علی قائمی

بسم الله الرحمن الرحیم

اقامه نماز در دوران کودکی و نوجوانی

نویسنده:

علی قائمی

ناشر چاپی:

ستاد اقامه نماز

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

اقامه نماز در دوران کودکی و نوجوانی

مشخصات کتاب

سرشناسه : قائمی، علی، ۱۳۱۶ -، گردآورنده

عنوان و نام پدیدآور : اقامه نماز در دوران کودکی و نوجوانی / گردآورنده علی قائمی.

مشخصات نشر : تهران: ستاد اقامه نماز، ۱۳۸۸.

مشخصات ظاهری : ۶۶ ص.؛ ۱۴×۲۱ س م.

شابک : ۶۰۰۰ ریال : چاپ هشتم : ۹۷۸-۹۶۴-۶۲۶۸-۲۹-۶ ؛ ۷۰۰۰ ریال (چاپ یازدهم) ؛ ۷۰۰۰ ریال (چاپ دوازدهم) ؛ ۷۰۰۰ ریال (چاپ سیزدهم) ؛ ۷۰۰۰ ریال (چاپ چهاردهم) ؛ ۷۰۰۰ ریال (چاپ شانزدهم) ؛ ۷۰۰۰۰ ریال (چاپ هفدهم) ؛ ۷۰۰۰ ریال (چاپ هجدهم) ؛ ۱۸۰۰۰ ریال (چاپ بیست و چهارم)

یادداشت : چاپ هشتم: ۱۳۸۷.

یادداشت : چاپ یازدهم، دوازدهم و چهاردهم: ۱۳۸۸.

یادداشت : چاپ سیزدهم: زمستان ۱۳۸۸.

یادداشت : چاپ پانزدهم.

یادداشت : چاپ شانزدهم: بهار ۱۳۸۹.

یادداشت : چاپ هفدهم: ۱۳۸۹.

یادداشت : چاپ هجدهم: تابستان ۱۳۸۹.

یادداشت : چاپ بیست و چهارم: زمستان ۱۳۹۲.

یادداشت : کتابنامه به صورت زیرنویس.

موضوع : نماز -- راهنمای آموزشی

موضوع : تعلیمات دینی برای کودکان

شناسه افزوده : ستاد اقامه نماز

رده بندی کنگره : BP۱۴۷/۷/ق ۲الف ۷ ۱۳۸۸

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۳۵۳۰۷

شماره کتابشناسی ملی : ۱۹۶۳۰۸۲

ص: ۱

اشاره

اقامه نماز در دوران کودکی و نوجوانی

ص: ۳

فهرست

عنوان صفحه

ص: ۶

بسم اللّه الرحمن الرحیم

مقدّمه

موضوع بحث، اقامه نماز در دوران کودکی و نوجوانی است.

آنچه را که در باره موضوع بحث، بررسی و اندیشه کرده ام، در طبق اخلاص گذارده، همچون هدیه موری تقدیم صاحب شریعت می کنم، بدان امید که از ما هم بپذیرند.

دو مبنا در بحث

اشاره

در این مجموعه دو سلسله مباحث مبنایی را مورد عنایت قرار می دهیم:

۱ _ اصول و مبادی فکری در عرصه این بحث

۲ _ پایه های تربیت اسلامی که طبعا حاصل آن به بحث نماز کشانده شده و شامل اصول و ضوابطی است که در جنبه اجرا قابل طرح و ارائه است.

الف _ تکیه گاه بحث

در بحث خود، سعی خواهم داشت که به خواست خداوند به نکات

مهمی که ذیلاً عرضه می شوند، توجه کنم:

۱ _ اصول و مبادی نظام فکری اسلام لااقل بر اساس آنچه که در طول مدت عمر و مطالعاتم از اسلام برداشت کرده ام و البته این برداشت جدای از درک، استنباط و نوشته های بزرگان و راهنمایان مذهب نیست.

۲ _ مبانی و اصولی که از دانش روان شناسی، مخصوصا روان شناسی رشد، روان شناسی تربیتی و روان شناسی یادگیری در دست و مورد استناد بزرگان و صاحبنظران این علم است و من سالهای سال است که در این زمینه ها تحصیل، مطالعه، بررسی و تدریس داشته و دارم.

۳ _ استنباط و تجارب شخصی که محصول عمری نسبتاً طولانی (۵۵ سال) است که حدود ۳۴ سال آن در وظیفه معلمی و مخصوصا چند سال آن در کلاس اول ابتدایی گذشته است، آن هم در نقطه ای نسبتاً محروم و در ارتباط با کودکانی که بسیاری از آنان در خانواده هایی نابسامان و آشفته رشد یافته بودند و من سعی داشتم برنامه نماز را درباره آنان به مرحله اجرا درآورم.

۴ _ کار مستقیم و عملی درباره فرزندانم، در ارتباط با واداشتن آنها به نماز، از همان دوران خردسالی و گمان دارم در آن مسیر مرتکب خطا و اشتباهی نشده ام و وظیفه پدری خود را لااقل در این قسمت خوب انجام داده و نماز را به صورت فریضه ای عملی و بدون احساس کراهت از جانب آنان، به آنها قبولانده ام.

۵ _ و البته مختصر پژوهش تجربی و علمی هم که اغلب با همراهی دانشجویانم در مقاطع مختلف تحصیلی صورت گرفته می تواند در این مورد قابل ذکر باشد که به هر حال مویی در ساختن ریسمانی مدد است.

ب ـ پایه های تربیت اسلامی

شکّی نیست که پایه های تربیت اسلامی بر اصولی استوارند که منابع آن را جنبه های زیر تشکیل می دهند:

۱ ـ قرآن که اساسنامه حیات و موجودیت اسلام و اصیل ترین و مستندترین منبع، در همه زمینه های فقهی، اجتماعی، سیاسی، اخلاقی و تربیتی است.

۲ ـ سنّت که شامل قول، فعل و تقریر معصومین (علیهم السلام) است (و نقش آن تبیین آیات و احکام و در واقع اساسنامه عملی اسلام است و در تربیت که دارای جنبه اجرا و عمل است، مورد استفاده و کاربرد زیادی است.)

۳ ـ اجماع که اتفاق علمای اسلام درباره مسأله ای است که نقضی از کتاب و سنّت برای آن نیست و به شرطی که کاشف از قول معصوم علیه السلام باشد برای ما مورد استفاده است.

۴ ـ عقلی که راهنمای ما در امور جاری و پیامبر درونی هر انسان است و خدای به وسیله آن حجت خود را بر مردم شناسانده است و به شرطی که مباین با قرآن و سنت نباشد مورد استفاده ماست. در این رابطه امام کاظم(علیه السلام) فرموده اند: «اِنَّ لِلّه عَلَی النّاسِ حُجَّتَینِ، حُجَّةٌ ظاهِرَةٌ و حُجَّةٌ باطِنَةٌ، فَاَمَّا الظّاهِرَةُ فَالاَنبِیاءُ و الرُّسُلُ وَ الائِمَّةُ (علیهم السلام)، فَاَمَّا الباطِنَةُ فالعُقُولُ »

البته در تربیت اسلامی افراد، و هدایت آنها به سوی کمال و سعادت، اصل الهام از فطرت آدمی و از نظام طبیعت و آفرینش و نیز اصولی دیگر برآمده از دین و علم مطرحند که در متن بحثم بدانها خواهم پرداخت.

طرح مباحث

اشاره

برای اینکه قالب بحثم در این محضر معین باشد، کل عرایضم را در ۱۲ قسمت به شرح زیر تقدیم خواهم کرد که عبارتند از: پیام نماز، گیرنده پیام، فرستنده پیام، در کیفیت القای نماز، شرایط القا، نحوه تمرین و عمل، القائات لازم، آغاز دعوت و تمرین، راهنمای ما در اجرای نماز، در امکان پذیرش، قواعد و مراقبتها و پرهیزها.

اینک به بحث و بررسی مختصر درباره هر کدام از آنها می پردازیم:

۱ ــ پیام نماز

در این زمینه مباحث بسیاری قابل عرضه اند که هر کدام درخور بحثی جداگانه اند و ما را در این امور قصد ورود نبوده، تنها ذکری از آنها به میان می آوریم و طرح و تکمیل آن موضوعات را به دیگران وامی گذاریم:

۱ ــ در مورد وجوب نماز: قرآن بدان تکیه دارد: «ان الصّلوه کانت علی المؤمنین کتابا موقوتا»

۲ ــ در مورد روح نماز: خدا می فرماید: «اقم الصلوه لذکری» و در آن یاد خدا، انس با خدا و احساس حضور مطرح است.

۳ ــ بعد ملکوتی نماز (آن را معراج مؤمن گفته اند): «الصّلوه معراج المؤمن»

۴ ــ اهمیت و عظمت نماز که قرآن الفجر است: در حدیث نبوی آمده است: «ان قُبلت قُبل ما سِواها و ان رُدَّت رُدَّ ما سِواها»

۵ ــ جنبه سازندگی و بازدارندگی: «ان الصّلوه تنهی عن الفحشاء و المنکر»

۶ ــ جنبه حالت آفرینی آن: ذکر «اَرِحْنی یا بلال» پیامبر و یا تغییر رنگ امام سجاد علیه السلام در موقع نماز به خاطر احساس حضور در پیشگاه خداوند

ص: ۱۰

(احیای اسلام ـ غزالی)

۷ ـ محبوبیت آن در نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله : ایشان فرمود: «انّی احبّ من دنیاکم ثلاث ... و قرّه عینی الصّلوه»

۸ ـ بعد سیاسی نماز: شامل قیام و قعودها، قیام آفرینی ها و شعاردهی های آن

۹ ـ نظم آفرینی و حیات بخشی آن: نماز در اوقات ثابت و معینی به مرحله اجرا در می آید و این خود درسی برای نظم و سامان داری در زندگی است، هم در جنبه ظاهر زندگی و هم در جنبه باطن و درون آدمی.

۱۰ ـ احساس وصل و احساس قدرت: نماز عامل قرب و وابستگی به معبود است؛ عامل اتصال به قدرت بی نهایتی است که همه قدرتها نشأت گرفته از قدرت اوست و در برابر توان مطلق او هیچ و پوچند. اتصال و پیوند با خدا می تواند به انسانها قدرت ببخشد، به گونه ای که در برابر دیگر قدرتهای زائل شدنی سر تسلیم فرود نیاورد و راه خود را درست و با قدی برافراشته ادامه دهد. در عین حال اتصال به معبود بی نهایت و راز و نیاز با او در حال ذکر، قنوت و سجده های نماز عامل سکون و آرامش دل است و چه بسیار اضطرابات و احساس ناامنی ها که بر اثر آن از بین می رود.

۲ ـ گیرنده پیام

اشاره

گیرنده پیام نماز کیست؟ در این بحث گیرنده پیام، کودک و نوجوان است؛اما کودک کیست؟ نوجوان کیست؟ اخذ پیام نماز بر آنان واجب است یا مستحب؟ نماز برای آنان جنبه الزام دارد یا تشریفات؟ و... اینها

ص: ۱۱

سؤالاتی هستند که باید برایشان پاسخ عرضه کرد.

۲ _ ۱ _ کودک:

اشاره

کودک به چه کسی می گویند؟ به آن کس که حیاتی اتکالی دارد، تحت حضانت و ولایت دیگران است، تازه به دوران رسیده است، القائات و تلقینات دیگران در او شدیدا مؤثر است، از خود طرحی، فکری و بینشی شناخته شده و منسجم ندارد، شدیدا رنگ پذیر و دارای جنبه انفعالی است، بسیار انعطاف پذیر است، در مسیر تشکیل و تکوّن شخصیت است و... و چنین فردی در مرز سنی تولد تا ۱۱ سالگی است که از نظر من، خود شامل چهار مرحله محدودتر است: دوران پرستاری یا کودکی اول، دوران کودکی دوم، کودکی سوم و کودکی چهارم.

ما با استفاده از ویژگیهای فطری، طبیعی و روان شناختی کودک در هر مرحله، به بررسی مسئله پرورش دینی او می پردازیم و در حین بحث سعی داریم از شرایط و جوّ فکری و روانی کودک در هر دوره پرده برداریم:

۲ _ ۱ _ ۱ _ دوران پرستاری: مرحله اوّل کودکی (تا ۳ سالگی)

به نظر ما شامل زمان ولادت تا پایان سه سالگی است. مرحله ای است که کودک در آن موجودی کاملاً وابسته است و بخش اعظم عمر و اوقاتش را در آغوش مادر یا در کنار او می گذراند. در این دوران از نظر ویژگیهای سنی مسائلی مطرح است که اهم آنها بدین قرارند:

الف) حیات کودک کاملاً اتکالی است و تنها در اواخر این دوره است که تا حدودی می تواند از خود رفع نیاز کند.

ب) شدیدا تلقین پذیر است تا حدی که می توان بسیاری از بدیهیات را در

برابر او وارونه جلوه داد.

ج) بعد انفعال، پذیرش و رنگ پذیری در او قوی است. زود می پذیرد، زود رد می کند و زود تحت تأثیر القا قرار می گیرد.

د) حواسش همچون دریچه هایی هستند که داخل و خارج را بدون تحلیل و بررسی به هم مربوط می سازند. چشم او نقش دوربین عکاسی را بازی می کند که از همه صحنه ها و جریانات عکس برمی دارد. گوش او نقش دستگاه ضبط صوت را بازی می کند هر چه را بشنود ضبط می کند، اگر چه مفاهیم آن را درنیابد و به همین ترتیب است نقش دیگر حواس او که همچون گیرنده هایی هستند که تصاویر و کیفیت جهان خارج را به درون ذهن می برند و مجموعه یافته های حسی در خزانه ذهن او ضبط و نگاه داری می شوند و بسیاری از آنها پایه های بینش و جهان بینی حال و بعد کودک را تشکیل می دهند و برخی از آنها هم زمینه ساز فراگیری های سریعتر مباحث مشابه در مراحل بعدی عمرند.

ه) توان تقلید از ماه چهارم ولادت به صورت بسیار ضعیف در کودک ظاهر می شود، ولی در پایان این مرحله شدیدا قوت می گیرد. کودک دوست دارد از والدین و مخصوصا از مادر و سپس از پدر خود تقلید کند. به اعمال عبادی مادر، به خم و راست شدن او، در حین نماز حسّاس است. دوست دارد چون او عمل کند، همانند او لب بجنباند و ذکر بگوید و این خود یک فرصت مقدماتی برای دعوت به تقلید نماز است. او بتدریج از ماه ششم ولادت، رفتار پدر و دیگر اطرافیان را زیر نظر می گیرد که آنها هم مایه های تقلید بعدی کودک را فراهم می سازند.

۲ _ ۱ _ ۲ _ مرحله دوّم کودکی (۴ _ ۷ سالگی):

الف) این مرحله، دوران کنجکـاوی شدیـد و سـر درآوردن از حرکـات،فعـالیت هـا و تلاشـهای دیگران است. شـرایط ذهنی و روانی کودک به گونه ای است که نسبت به هر رفتاری حسّاس است، هر حرکت و جنبشی توجه او را به سوی خود جلب می کند و حتی در مواردی بسیار کنجکاوی او غیرارادی است و این هشداری برای والدین در مراقبت از روابط خویش است.

ب) _ دوران صـید اطلاعات و عشق به این صـید است. کودک دوست دارد با حرصی شدید چیز بیاموزد و به همین نظر به هر کجا سر می کشد و به هر بحث و سخنی گوش فرا می دهد.

ج) _ قـدرت دریافت و گیرندگی در کودک قوی است، بویژه که حافظه ای صـریح دارد. زود می تواند حفظ کند و زود می فهمد، و به همین دلیل با همه تصوری که والدین از نادانی او دارند، بسیاری از چیزها را می داند و می فهمد.

د) _ حیات در کودک صورتی فعال دارد و با تمام قوا، در همه گاه در حرکت است. می دود، بـدون اینکه دلیلی روشن برای دویدن داشته باشد، می جهد بدون اینکه توجیهی برای آن داشته باشد و سراسر وجود او انرژی و حرکت است.

ه) _ دوران عشـق و محبت به والـدین است، مخصوصـابه مـادر. ممکن است او گـاهی نسبت به مـادرش موضع پرخاشـگرانه بگیرد، ولی اگر بواقع دریابـد که مادرش از مرضـی درد می کشـد و یا می خواهـد بمیرد، منقلب می شود و حتی ممکن اسـت اشکش سرازیر گردد. او مادر را دنیای خود و

همه چیز خود می شناسد.

و) ـ شدیدا مقلّد است و دامنه تقلیدش دائما وسیع می شود. از همه کس تقلید می کند، از پدر، مادر، روحانی، پزشک، تزریق کننده آمپول، لباس فروش، آب حوضی، فقیر و...

ز) ـ به دنبال یافتن الگوهاست و نقش مدلها در او بسیار نیرومندانه اثر می گذارد. اگر فردی به عنوان قهرمان، یا انسانی برتر در دل او جا کند، سعی خواهد داشت رفتار خود را با او تطابق دهد.

ح) ـ مرحله اعتماد و اطمینان است، اطمینان به پدر، به مادر، و به هر کس که به او محبت کند. در آن صورت هر سخنی که از آنها بشنود برای او بمنزله وحی مُنزَل است و آن را صواب و درستش می پندارد.

ط) ـ مرحله سلوک متعادل است و کودک می رود تا تدریجا زندگی را عقلانی کند و در سنین ۶ و ۷، والدین، کودک خود را نسبتاً فردی معقول و در خور امر و نهی می یابند.

ی) ـ در اواخر این مرحله کودک به سن تمیز می رسد، دنیای متفاوت زن و مرد را می شناسد و سعی دارد حیات خود را رنگی مردانه یا زنانه بخشد و نیز از بسیاری مصداق های خوبی و بدی سر در می آورد و این امکان در او وجود دارد که تحت کنترل رسمی درآید.

ک) ـ وجدانش بتدریج بیدار می شود تا حدی که گاهی ممکن است از عمل ناروای خود شرمنده گردد و این عامل مهمی برای خود کنترلی است، البته به شرطی که تحت هدایت و مراقبت قرار گیرد.

ل) ـ میل به همانندسازی در او قوی است. دوست دارد مثل پدر یا مادر باشد. اگر پدر یا مادر را اهل عبادت و نماز ببیند دوست خواهد داشت

ص: ۱۵

چون آنها عمل کند و اگر آنان تارک الصلوه و یا به نماز بی اعتنا باشند، او هم آنچنان خواهد شد.

م) ـ این مرحله، تشکیل خود و تکمیل و استقلال شخصیت است. کودک برای خود کسی است. به گفته عالمی او یک فیلسوف کوچولوست، برای خود رأی و نظری دارد و می خواهد رأی خود را به کرسی بنشاند و در حد خود دارای یک بینش و جهان بینی است.

ن) ـ کودک در این مرحله مصداق عنوان سریع الرضای خداوند است. زود راضی می شود، زود از قهر به آشتی روی می آورد، در میان گریه می توان او را خنداند و در وسط خنده می توان به گریه اش انداخت و این خود زمینه ای برای اثرگذاری در کودک است.

احساس مذهبی در کودکان: بر اساس بررسیها و یافته های روان شناسان، احساس مذهبی در سنین ۶ و ۷ سالگی در کودکان علنی می شود و میل به تظاهرات مذهبی و علائق آن در آنها زنده می گردد؛ اگر چه از حدود سه، چهار سالگی هم نوع سئوالات کودکان از مبدأ و منتهای امور، حکایت از فطرت خدا آشنای آنان دارد.

البته خدا آشنایی و مذهب خواهی در اعتقاد ما امری فطری است و تجلی آن در همه کودکان، صرف نظر از جنس، نژاد، منطقه و موقعیت جغرافیایی به چشم می خورد و این حالت مورد انکار روانشناسان نیست. پرسش های کودکان از مبدأ و مقصد اشیاء خود تجلّی وجود چنین زمینه ای است، اما تظاهرات صریح تر آن در ۶ سالگی است.

به عقیده روان شناسان میل به تظاهرات مذهبی و علائق آن از همان سنین

ص: ۱۶

در کودکـان زنـده می شود، تـا حـدی که می توان گفت: دنیـای درون یـک کودک، دنیـای عشق به خـدا و محبت به اوست، دنیای احترام به خـدا و سـتایش و نیایش اوست. کودک دوست دارد نماز بخواند، روزه بگیرد، حتی دوست دارد خدا را ببیند. او خـدا را چون پـدری تصور می کنـد که می توان در دامنش نشـست. همه تصوراتی که یـک کودک از مـادری مهربان و از پـدری نیرومنـد دارد، آنهـا را در خداونـد جست وجو می کنـد. این بیـداری و تظاهر، خود فرصتی و پلی برای عبور و ورود به دنیای عبادت، مخصوصا نماز و روزه است، به شرطی که والدین الگوهای درست و مناسبی باشند.

روایات نیز توصـیه به واداشـتن کودک به نماز در همین سـنین دارند. امام صادق علیه السـلام می فرمود: ما فرزندان خود را در این سن برای سـحری خوردن در مـاه رمضـان بیـدار می کنیم، نه برای روزه گرفتن، بلکه برای مأنوس کردن او با خلوت شب، انس گیری با سحر و آشنایی با ذکر، عبادت و ارتباط با خدا.

غرض آشـنایی و انس با عبادات و مراسم آنها و آگاهی از شیوه بندگی است. توصیه امام صادق علیه السلام این است: «بادروا اولادکم بالحدیث، قبل ان یسبق الیهم المرجعه»(۱) فرزندانتان را با مسائل دین آشـنا کنید پیش از آنکه عوامل گمراه کننده بر آنان فائق آیند.

این گونه برخورد با کودک نوعی آشنا کردن او با مسائل حیات عبادی است.

۱- ۱_ کافی، جلد ۶، صفحه ۴۷

۲ _ ۱ _۳ _ مرحله سوم کودکی (۷ _ ۹ سالگی):

کودک در این مرحله در شرایطی است که به اعتقاد روان شناسان چهار مرحله از رشد شخصیت را پشت سر نهاده و به درجه قابل قبولی از استقلال، شناخت خود و وظیفه اش رسیده است. خصایص این مرحله از حیات از دید روان شناسان به قرار زیر است:

الف) تلقین پذیری: القا و تلقین والدین و حتی خود کودک در او مؤثر است و بخشی از رنگ شخصیتی وی نشأت گرفته از همین القائات (مثل ترس کودک) است.

ب) تقلید: کودک سعی دارد رفتار خود را بر اساس یک مدل و الگویی سازمان دهد، از قهرمانان و بزرگان مورد تأیید خود تبعیت کند و چون آنها عمل نماید.

ج) همانندی: و در آن امر چنان است که گویی کودک سعی دارد خود را در مدلی حل و هضم کند و چون او باشد. می خواهد عین رفتار پدر را داشته باشد، درست چون معلم خود گردد، و یا مانند فرد مورد احترام خود باشد و در لباس و قالب او درآمده، در وجود او حل و هضم گردد.

د) تشکیل خود: بدین معنی که از مجموعه دیده ها، شنیده ها، تجربه ها و یافته ها دید و بینشی به دست آورده، رأی و نظری را برای خود حاصل کرده، شخصیت خویش را بر آن اساس قوام و تشکل بخشیده است. او اینک به صورت یک سازمان مستقل، مرکب، استوار و متحرک درآمده و عمل می کند. شخصیتی شناخته شده دارد، دریافته و می فهمد چگونه عمل کند و با والدین و مربیان خود چگونه کنار آید. او همچنان به این مرحله از دریافت رسیده است که دریابد رفتارش با دیگران چگونه باشد،

ص: ۱۸

خالصـانه و صـمیمانه؟ یـا حیله گرانه و منافقـانه؟ از راه اعمـال زور و قـدرت، لجبـازی و طغیـان به پیش رود یـا از راه خنـده و شوخی، نازکشی و نازخواهی؟ و...

ه) قیدپذیری : امکان تربیت پذیری و قبول امر و نهی با دامنه وسیع تری در کودک وجود دارد و می تواند تکلیف و مسئولیتی را در حـد تـوان و اسـتطاعت بپـذیرد و آن را نیکو انجـام دهـد و بر اسـاس همین نظر، اسـلام او را در این مرحله مقیـد و تحت ضابطه (عبد) می خواهد.

و) کـودک در این مرحله شدیـدا تشویق و تهدیدپـذیر است. تبشـیرها و انـذارها در او اثر دارنـد و این هر دو می تواننـد عـامل واداشـتن کودک به یـک کـار و عمـل و یا بازداشـتن او از کار و برنامه ای باشـند. البته اثر تشویق در سازنـدگی کودک بیشتر است و در حرکت انگیزی نیز بیشتر به صلاح او می باشد.

ز) امر و نهی هـا، زنـدگی کنونی کودک را رنـگ می دهنـد. او فعلاًـ در مرحله ای است که بایـد در حال عبودیت، اطاعت و تبعیت باشد. والدین و مربیان باید برای او وظایف و مسئولیت هایی را معین کنند و اجرای آن را از او بخواهند: «الولد سید سبع سنین، و عبد سبع سنین ...» و او فعلاً در مرحله

عبودیت است.

ح) با جمع و جامعه نسبتا آشناست؛ در مدرسه است و با گروه همشاگردیها مأنوس و در تبادل فرهنگی است. کسان و خویشان را می شـناسد و تـا حـدودی درمی یابـد چه کسـی دوست و خیرخواه اوست و چه کسـی دشـمن او و بـا هر کـدام چگونه باید برخورد کند.

ط) رفتار مدرسه ای در او مؤثر است و به همین جهت مدرسه می تواند

عامل سازنـدگی یا ویرانی او باشد. انتخاب نوع مدرسه در این سن به نظر عده ای از روان شـناسان از انتخاب نوع حکومت هم مـؤثرتر است. تیپ افراد مـدرسه از نظر خُلق و خوی و رفتـار در او اثر می گـذارد و او بیش و کم، رنـگ مـدرسه را پـذیرا می گردد.

ی) او مقایسه گر است؛ می تواند وضع دینی خود را با دیگران بسـنجد و به همین گونه وضع خانوادگی، شرایط رفاهی، میزان پـذیرش یا طرد خانوادگی خود را. پـدر و مادر خود را از نظر میزان محبت، درجه مهر یا خشونت با دیگران مقایسه می کنـد و بر آن اساس خود را حقیر یا سرفراز می یابد.

ک) دنیای او وسـیع تر شده، با جمع بیشتری از معلمان، مدیر و مسؤولان مدرسه آشناست. عملکرد آنها را می بیند، می سنجد، مورد داوری قرار می دهد و بر آن اساس بینش و رأی پیدا می کند؛ مثلاً او از پای بندی مسؤولان مدرسه نسبت به نماز سر در می آورد. در جامعه نیز از طبقات مختلف مردم و از عبادت و ریایشان آگاه است.

ل) او در مرحله تفکر منطقی است و می تواند از برخی روابط علت و معلولی، حرکتها و رمز و رازها سر درآورد و مسأله ای را بـا مسـأله ای دیگر پیونـد دهـد. او حتی می توانـد دریابـد فلان عمل پـدر، مادر، یا معلم چه معنی داشـته؟ حقیقی بوده یا ظاهر سازانه و ریاکارانه؟ فلان کنایه و اشاره چه معنی داشته ؟ و فلان سخن با چه قصدی ادا شده است؟...

وضع مذهبی: در مرحله بین ۷ ـ ۹ سالگی، شوق مـذهبی در کودکان رو به تزاید است. عشق به خدا و دوسـتداری او در آنان قوی می شود، با این تفاوت که در

خردسالی، محبت کودک به خدا بسیار خالصانه و بی پروا بوده، اینک با نوعی بیم داری از خدا همراه می شود.

او تدریجا دریافته است که خداوند در عین مهر و محبت، حسابرسی، کیفر و عقوبت هم دارد. به همین خاطر ترس از عذاب و دوزخ در دل او استقرار می یابد و دیگر می توان بیش یا کم از جهنم و عذاب خدا با او حرف زد، ولی نه در حدّ اضطراب انگیز و وحشت آور.

در سنین بین ۶ ـ ۸ سالگی نوعی جهش معنوی ریشه دار را در کودکان می بینیم، به حدی که گاهی در تنهایی، با خدا حرف می زنند، دعا می کنند، از او توقع بهشت و درخواستهای دیگری دارند، حتی گاهی در این سنین خواب بهشت را می بینند و خود را غرق در نعمت و لطف خدا می یابند. کلاً دنیای لذتبخش و عرفانی و با صفا و خلوص خوبی برای خود می سازند.

در این مرحله اگر شرایط محیطی دین مساعدتر باشد، کودک متدین تر بار می آید و حتی نمازگزاردن را می توان در او به صورت عادت درآورد. روایات اسلامی ما والدین را به درخواست اقامه نماز از فرزندان در این سنین دعوت می کنند و حتی توصیه به تحمیل آن در صورت عدم موافقت شده است.

این نکته را به صورت معترضه عرض می کنیم: فرق است بین تحمیل یک عقیده و تحمیل یک عمل. در اسلام تحمیلی در عقیده نیست، نه برای کودک و نه برای بزرگسال و این همان معنی «لا ـ اکراه فی الدین» است؛ اما تحمیل در عمل برای مواردی خاص وجود دارد که آن ضرورتی برای حفظ نظام است. به عنوان مثال، زنی از خارج وارد مملکت ما می شود و

به حجاب و پوشش عقیده ندارد، ما هم آن عقیده را بر او تحمیل نمی کنیم؛ اما برای حفظ نظام کشور او باید روسری داشته باشد.

مورد دیگر این که شما برای سعادت فرزند خود مدرسه رفتن را بر او تحمیل می کنید، در حالی که طفل به آن معتقد نیست و نمی خواهد به مدرسه برود، یا شما مشق و تمرین درسی را بر او تحمیل می کنید، حال آن که او قلبا نمی خواهد آنها را انجام دهد. به همین ترتیب شما آمپول و دارو را بر وی تحمیل می کنید در صورتی که او از آن کراهت دارد و نماز هم عملی است که در صورت مقاومت، بر کودک تحمیل می شود.

این نکته را هم متذکر شویم که کراهت های این گونه ای تدریجا و با تمرین ها و مداومت ها از بین می روند؛ مثل کراهت اشتغال به یک تازه کار در رفتن به سرِ کارِ خودش، و کراهت بیداری صبح زود یا تن دادن به مسؤولیت خانوادگی برای دختری نازپرورده که جدیدا ازدواج کرده است.

غلبه نوعی بیم و اضطراب بر کودک از نافرمانی خدا، مخصوصا پس از سن هشت سالگی، خود عامل مؤیدی است که او را در اطاعت از فرمان والدین به نماز می کشاند و یا آرزوهای محالی که در این سن برای او به وجود می آید، او را به عبادت خدا و توقع از او سوق می دهد که این هم خود مؤیدی در این زمینه است.

در اسلام تمرین وضو برای نماز از ۷ سالگی به صورت شستن دست و صورت است و گرفتن وضو درست از ۹ سالگی مورد سفارش است. در همه حال در واداشتن کودک به نماز، عبادت، وضو ساختن و... اصل بر مدارا، لطف، تحمّل، تدریج و مداومت است.

ص: ۲۲

۲-۱-۴ مرحله چهارم کودکی (۹ _ ۱۱ سالگی)

این مرحله از حیات را می توان دوران حیات عقلانی نامید. در این دوره کودک تجاربی را مورد بررسی و آزمایش قرار داده، با نیک و بدهای بسیاری آشنا شده است. او با افراد و گروههای مختلفی مأنوس است و برای خود دید و بینش وسیع تری به دست آورده است و در شرایطی است که می داند در زندگی باید چه کند؛ و چه کاری را باید ترک کند یا انجام دهد. رفتار و شرایط روانی کودک را در این دوره بدین گونه می توان توصیف کرد:

الف) او برهان پذیر است؛ یعنی استدلال و برهان دیگران او را قانع میکند، اگر چه خود نتواند فردی مستدل و قانع کننده باشد. به عبارت دیگر شاید او نتواند برای امری دلیل و برهان بیاورد، اما دلیل دیگران را می فهمد و می پذیرد.

ب) وی از روابط علّت و معلول در امور بطور نسبتاً خوبی سر درمی آورد، مگر درباره مسائلی که از سطح فکر و درک او بالاتر باشند و مسائلی باشند که نیازمند به استدلال و برهان عقلی و فلسفی هستند.

ج) او نوع روابط خود را با دیگران تنظیم کرده، می داند با هر کس چگونه برخورد کند. حتی پیش از آنکه معلمش او را امتحان کرده باشد، او معلمش را امتحان کرده و از کمّ و کیف احوال و مواضعش، از جدّی بودن یا بی حساب بودن سخن و رفتارش نیکو سر درمی آورد.

د) کودک در این مرحله، جهان و پدیده هایش را تا حدودی می شناسد که این خود در کار خداشناسی او مؤثر است و چه بسیارند شگفتی های آفرینش که او را به حیرت وامی دارند و بی اختیار به تعظیم در برابر خدا

ص: ۲۳

وادارش می کنند.

ه) عادات پدید آمده در گذشته با جنبه ارزیابی او همراه است و درمی یابد که فلان عادت خوب است یا بد و آیا باید فلان خلق و خوی را ادامه داد یا به ترکش پرداخت. هنوز بسیاری از رفتارها در او استقرار روانی پیدا نکرده اند و به همین علت پاره ای از خویهای نابهنجار را می توان از او زدود.

و) دید و بینش کودک نسبت به پدر و مادر در نحوه موضعگیری او، مخصوصا در عبادات امر شده از سوی آنها مؤثر است؛ مثلاًـ اگر از پدرش ناراضی باشد آن را با ترک نماز تلافی می کند، و یا اگر با خواست و توقع او مبارزه شود او هم به خود حق می دهد که نماز نخواند (گویی او همه اعمال و عبادات خود را به خاطر والدین خویش انجام دهد!!).

ز) فعلاً او در شرایطی است که می توان درباره نماز با وی سخن گفت و بیش و کم به او تفهیم کرد که چرا باید عبادت کنیم. می توان برای او دلایل قابل قبولی راجع به نماز عرضه کرد و او را به پذیرش آن قانع نمود.

در این راه ذکر داستان بندگان خالص خدا و عبادت آنها در او برانگیزاننده است؛ به ویژه اگر بتوانیم چهره مطلوب و کودک پسندی را از آنها برای فرزندان خود تصویر کنیم. ذکر داستانهای مربوط به قهرمانان عبادت و بندگی سبب می شود که آنها در دل کودک جایی پیدا کنند، بدان شرط که در بیان مسائل مربوط به آنان جنبه های فکری، روانی و عاطفی آنها را مورد نظر داشته باشیم و به داستانها رنگ و بعد عاطفی داده، آنها را برای کودک ملموس سازیم.

وضع و شرایط مذهبی کودک: از پایان ۹ سالگی بر اساس شرایط رشد، نوعی معرفت نسبت به خدا و مذهب در کودکان عادی پدید می آید، به گونه ای که قادر به جذب آگاهیهای دین می شوند؛ مثلاً اگر درباره نماز با کودک بحث شود می تواند آن را دریابد و باور کند یا اگر از پاداش و کیفر خداوند برای او سخنی بگوئیم، به خاطر وصول به لذات بهشتی و دوری از عقاب های احتمالی خداوند حاضر است نماز بخواند. البته او هنوز در آن موقعیت و شرایطی نیست که عبادت و نیایشی ناشی از عرفان داشته باشد و یا بمانند یک فرد بزرگسال ایمان و باوری ریشه دار برای او پدید آید. اغلب عبادات او از انواع تجارت با خدا و نوعی بده، بستان به حساب می آیند و او در واقع با نماز و روزه خود نوعی معامله گری را مطرح می سازد.

شور مذهبی مخصوصا در رابطه با جنبه الگویی والدین در کودک پدید می آید و این شور در سنین بلوغ می تواند با شعور درآمیزد و پایه و مایه ای برای تمام عمر باشد و همین شورهاست که کودک را سرمست شعائر مذهبی و زرق و برق می سازند و در ایام محرم و عاشورا او را به عزاداری وامی دارند.

وضع عبادت و نماز کودک در این سن به گذشته اش متصل است و همچنین به اینکه والدین او در گذشته چگونه عمل می کردند و چه عاداتی را در او پدید می آوردند. اینکه بخواهیم در این سن او را به نماز واداریم، کاری نسبتاً سخت و دشوار است اگر چه جای امیدواری بسیار است. تا سن ۱۲ سالگی می توان اقداماتی سازنده در این مسیر داشت و نتایج خوبی گرفت. او هنوز چون نهالی است که بدنه ای سخت و غیرقابل

انعطاف پیدا نکرده است؛ اما اصولاً این نکته را به یاد داشته باشیم که پایه گذاریهای اولیه، مخصوصا در ۶ سال اول زندگی، نقش اساسی و سرنوشت سازی در زندگی کودک دارند و اینکه تربیت برای نماز در همین سنین باید پی ریزی شود، البته نه به صورت جدی و بازخواست کردنی، بلکه به صورت جذبی و لذّت آفرین و توأم با شادی و بازی. این نکته باید مورد نظر باشد که رابطه ای است معکوس بین سن و تربیت پذیری. هر چه سن کودک کمتر باشد، امکان تربیت بیشتر است و این از آن بابت است که جنبه انفعالی و تلقین پذیری در کودک شدیدتر است. به فرموده امام موسی بن جعفر علیه السلام :کودک چون شاخ تر است که به هر گونه ای که بخواهی می توانی او را بپیچانی. این مسئله امروزه مورد اتفاق اکثریت قاطع روان شناسان است و آنان هم در سایه بررسیها و آزمایشها به همین نتیجه رسیده اند.

سخنی در تکلیف نماز برای کودکان

اساس بحث ما در این قسمت این است که آیا اوامر و نواهی الهی شامل کودکان و نابالغان هم می شود یا نه؟ آیا به آنها که هنوز به سن بلوغ نرسیده اند می توان امر و نهی شرعی داشت یا نه؟ در پاسخ به این سؤال معروض می داریم که نظر فقها در این مسأله متفاوت است. در مورد اینکه دستور

تکلیفی برای کودکان همانند آن چیزی نیست که درباره افراد بالغ مطرح است، شکی و اختلافی بین فقها وجود ندارد. به فرموده امیرالمؤمنین علی علیه السلام :

«انّ القلم یُرفَعُ عن ثلاثةٍ»؛ حکم خدا و کیفر و حسابرسی از سه گروه برداشته شده است:

ـ«عَنِ الْصَبِى حَتّى يَحْتَلَمَ»؛ از كودك تا وقتى كه او به مرحله احتلام رسد.

ـ «وَعَنِ الْمَجْنونِ حَتّى يفيقَ»؛ از ديوانه تا وقتى كه او به سر عقل آيد.

ـ «وَعَن النائمِ حتى يَسْتَيْقظَ»؛ از فردى خوابيده تا وقتى كه بيدار شود.

بر اين اساس اوامر و نواهى (از واجب و حرام) منوط به حصول بلوغ است. قبل از رسيدن به آن مرحله، شرعا چيزى بر كودك واجب نيست. اما اين نكته را هم فورا بدان مى افزاييم كه عدم وجوب بدان معنى نيست كه او در رفتار و عمل يله و رها باشد. اگر در اين سنين كودك كارى كند كه موجب صدمه و آسيبى بر ديگران باشد، ضامن است. اگر ديه اى وارد آورد نه خود او رهاست و نه عاقله او؛ مثلاً اگر كودكى شيشه اى را از همسايه اى بشكند، ضامن آن است. اگر كودكى تن به سرقت دهد و معنى سرقت را هم بفهمد، عقوبت مى شود (اگر چه حد اسلامى بر او جارى نمى گردد)، و به همين ترتيب، اگر تن به آلودگى دهد و قبح عمل را هم بفهمد، تعزير مى گردد و...

البته برخى از فقها هم مى گويند اوامر الهى چون «اقيموا الصّلوه» عام، مطلق و داراى جنبه شمول است، ولى اكثريت آنها معتقدند اين امر براى كودكان، غير واجب، ولى رعايت آن الزامى است و رواياتى هم اين جنبه را تأييد مى كند. ترك نماز از كودكى كه قادر به انجام آن باشد در رديف مكروهى

شديد است. از والدين خواسته اند كودكان خود را قبل از سن ۱۰ سالگى به نماز وادارند و حتى آنها را به نماز امر كنند؛ «مُرّوا اَولادَكُم بِالصَّلوهِ لِسَبْعٍ، واضَرِبُوهُم بِعَشْرَ سِنين»

۲ـ۲ـ نوجوان

اشاره

اما نوجوان! او كيست و چه خصايصى دارد؟ وضع و شرايط روانى و

ص: ۲۷

رفتاری او چیست؟ اینها مسائلی است که ما به اختصار درباره آنها بحث خواهیم کرد و قبلاً ـ عرضه می داریم که بحث ما دربرگیرنده مرحله سنی بین ۱۲ تا ۱۸ سالگی است که خود شامل سه بخش خواهد بود:

بلوغ و بلوغ شرعی

۱ ــ مرحله قبل از بلوغ: یعنی سنی که در آن پسر هنوز به مرحله احتلام نرسیده و دختر هنوز قاعده نشده است و این سن غیر از سن بلوغ شرعی برای پسران و دختران است.

۲ ــ مرحله بلوغ و شکوفایی آن: یعنی سنی که در آن پسر و دختر به احتلام و قاعدگی رسیده اند و در مرحله تثبیت، شکوفائی و کمال آن قرار دارند که چنین مرحله ای در هیچ جای جهان سن معین و قطعی ندارد و در افراد مختلف و جوامع گوناگون متفاوت است.

۳ ــ مرحله پس از بلوغ: که تا سن ۱۸ را دربرمی گیرد و در آن پسر و دختر، مرد یا زن کاملی شده اند و قادر به زاد و ولد هستند.

در بیان مسأله بلوغ ذکر نکاتی ضروری است که از جمله آنها عبارتند از:

الف) بلوغ شرعی برای دختران مسلمان پس از گذشت ۹ سال قمری و ورود به دهمین سال از سن قمری خویش است؛ اگر چه در آن سن به مرحله قاعدگی نرسیده باشند (که معمولاً بیش از ۹۹٪ دختران به قاعدگی نمی رسند).

ب) بلوغ شرعی برای پسران به دو صورت زیر می تواند باشد:

ــ به صورت احتلام، بدین معنی که اگر پسری در ۱۴ سالگی و یا زودتر محتلم شود از همان سن به تکلیف شرعی رسیده است و باید واجبات را

رعایت کنـد (البته مراجع معظم تقلیـد در رساله های عملیه درآمـدن مو در زیر بغل و زهار را هم شـرط دانسـته اند که این امر ممکن است چند ماه قبل از احتلام باشد).

ـ به صورت گذشت ۱۵ سال قمری و ورود در سن ۱۶، اگر چه به مرحله احتلام نرسیده باشد و در آن صورت تکلیف شرعی بر او بار است و واجبات را باید رعایت کند. این مسئله ای است که فقها بر آن اتفاق رأی دارند.

ج) در مرحله قبـل از بلوغ، فرزنـد ما در حکم کودک است و مسأله نماز برای او امری الزامی است نه وجوبی و در مرحله بلوغ و پس از آن حکم نماز بر او واجب است و بایـد تعالیم مـذهبی را رعایت کند و این امر مورد اتفاق همه فقهاست. اسـلام او را فردی مسؤول می شـناسد که همه حـدود، قواعد، احکام، دیانت و... بر او بار است. در همه حال زمینه سازی برای نماز مربوط به دوران قبل از بلوغ و حتی مرحله کودکی است. اگر والـدین از حدود سن ۳ سالگی، فرزند خود را به نماز تشویق کنند و او را با خود به نماز وادارند، در سنین پس از آن مشکلی نخواهند داشت.

۳ ـ فرستنده پیام

اشاره

فرسـتنده پیام نماز، آموزنده و القاء کننده آن کیست؟ او واجد چه خصایصـی باید باشد؟ فرستنده پیام، پدر است؟ مادر است؟ معلم است؟ روحانی یا امام جماعت است؟ و یا جمعی از همه آنها؟ آنان هر که باشـند اگر بخواهند متولّی امر دین و عهده دار اجرای نماز فرزندان شوند، باید واجد صفات و شرایطی باشند که اهمّ آنها عبارتند از:

الف) آگاهی و معرفت: از شـــرایط عمده یک مربّی آن است که آگاه باشد. دامنه آگاهی در این زمینه، وســیع و شامل جنبه های زیر است:

* آگاهی درباره مذهب، و مبدأ، منشأ، فلسفه و رمز و راز آن

* آگـاهی دربـاره کـودک و شـرایط ذهنی، روانی، توان درک، قـدرت اراده، علاـئق و عواطف، دیـد و نظر او دربـاره امور و مسائل جاری، استعداد و زمینه های بالقوّه موجود در او و...

* آگاهی درباره وظایف انسان نسبت به خود، به خدا، به مذهب، به انسانها، به پدیده ها و...

* آگاهی درباره شرایط و جوّ جامعه ای که در آن زندگی می کنید، از نظر اقبال ها، ادبارها، تأییدها، طردها و...

* آگاهی از راه و روش تربیت کودک، طرق جـذب و جلب او، طرز برخورد با او، شـیوه های جذب و دفع او، روش واداشـتن او به کاری یا بازداشتن وی از امری و...

* آگاهی از هدف و فلسفه زندگی، مسؤولیت انسان در برابر شرایط حیات، وظیفه او در برابر خداوند و...

* بطور کلّی، هر آگاهی دیگری که برای گذران متعارف زندگی در این سرای و سعادت فرزند در آن سرای ضروری است.

ب) ایمان و باور داشت: مربی بایـد مؤمن به آن چیزی باشـد که دیگران را بـدان دعوت می کند. دل او به آنچه می گوید باید آرام باشد. این جمله را که از بزرگی است فراموش نکنیم: «دل می تواند دل را هدایت کند».

ص: ۳۰

دعوت و تبلیغ ما هنگامی مؤثر است که نشأت گرفته از درون باشد و این نیاز به باوری راستین و عمیق دارد، به ایمانی که در جان آدمی ریشه دوانده است. این یک هشدار و یک آموزش برای والدین و دست اندرکاران تربیت است که اگر باوری راستین عامل حرکتشان نباشد، نخواهند توانست در دیگران نفوذ کنند.

امیر المؤمنین (علیه السلام) در مورد انواع ایمان می فرماید: «فَمِنَ الْایمانِ ما یَکُونُ ثابِتا مَستَقِرا فِی الْقُلوبِ وَ مِنْهُ ما یَکُونُ عَوارِی بَیْنَ الْقُلُوبِ وَ الْصُدورِ»؛(۱) گاهی ایمانی است که در جانها و روانها استقرار دارد و گاه ایمانی است که به صورت عاریه ای و بدون فهم است...

و نیز ایمانی لازم است که آدمی را به تقوا و خود نگهداری یا حفظ خود بکشاند؛ «من تقوی اللّه تقیّه ذی لُبٍّ». ایمانی لازم است که در اعضاء و جوارح آدمی پخش شده باشد؛ در کتاب شریف کافی فصلی است تحت عنوان: «بابٌ فی اَنَّ الْایمانَ مَبْثوثٌ لِجوارِحِ الْبَدَنِ کلِّها» آری، به هنگامی که ایمان در جوارح و اعضاء نفوذ کند، می تواند پرتوافکن و نوردهنده باشد و کودک و بزرگ را تحت تأثیر قرار دهد. علی علیه السلام از ایمانی سخن می گوید که در

سایه پرتوافکنی آن می توانیم به جهان غیب وارد شده، از آن اطلاع یابیم؛ «وَ نُؤْمِنُ بِهِ ایمانَ مَنْ عایَنَ الْغُیُوبِ وَ وَقَفَ عَلَی الْمَوْعُودِ»(۲)

ج) عمل و کار: از عمل سخن راندیم نه از فعل. فرق فعل و عمل آن است که فعل اطلاق بر کار آسان و دشوار دارد، ولی عمل عبارت آن فعلی است که در آن

۱- ۱ _ نهج البلاغه

۲- ۲ _ نهج البلاغه

سختی و دشواری باشد. اسلام دین عمل است. دینی است که حاصل ایمان آدمی را عمل می شناسد. در اغلب آیات قرآن پس از کلمه ایمان، لغت عمل را می بینیم، آنچنان که ایمان بدون عمل را ناقص و بی بها می دارند و دعوت بدون عمل را کاری بیهوده و بی حاصل؛ «الدّاعی بِلا عَمَل کَالرّامی بِلا وَتَر»۲

همه توصیه های اسلامی متوجه عمل است: «اَلعَمَل اَلعَمَل، ثُمَّ اَلنَّهایَه النَّهایه»۳ کودک بیش از آنکه مطلبی را از راه سخن بیاموزد، از راه عمل خواهد آموخت و الگو و اسوه برای او کارسازتر است. رسول خدا صلی الله علیه و آله در ارتباط با آموزش دین به عمل تکیه داشت و از راه مدل و اسوه به مردم آموزش داد، «صَلُّوا کَمَا رَأیتُمُونی اُصَلِّی». امام صادق علیه السلام هم دعوت دیگران را به پذیرش دین از راه عمل مورد سفارش قرار می دهد؛ «کُونُوا دُعاهَ النّاسِ اِلَیْنا بِغَیْرِ اَلْسِنَتِکُمْ»(۱).

و در سخن دیگری فرمود: «کُونوا دَعاهَ النّاسِ بِالخیر بِغَیْرِ اَلْسِنَتِکُمْ، لِیُرَوا مِنْکُم الْاِجتَهادَ وَ الصِّدقَ و الوَرَعَ»(۲)

مربّی باید الگوی عملی نظریه ای باشد که از آن دفاع می کند و طبیعی است که عمل او باید صالح، متقن، محکم و استوار باشد. امّا در مورد نوع آن عمل سخن امیرالمؤمنین علیه السلام را مدّ نظر قرار دهیم که فرمودند: «وَاَعْمالُ العِبادِ فی عاجِلِهِم نُصُب اَعْیُنِهِم فی آجالِهِم»(۱)؛ اعمال کنونی مردم باید نصب العین برای آینده شان باشد. به عنوان نمونه، والدین و مربیان به

۱- ۴_ کافی / ج ۱ / کتاب الکفر و الایمان

۲- ۵ _ کافی، جلد ۱، کتاب الکفر و الایمان

هنگام نماز باید همه کارهای خود را تعطیل کنند و با شنیدن اذان آماده نماز شوند (حالت تهیّوء) و این گونه رفتار عبادی اگر مکرر گردد زمینه ساز آموزش عملی دین خواهد شد و در جان و فکر کودك چنان رسوخ می کند که بیرون رفتنی نیست.

د) اخلاق و انس: برای اینکه در شاگرد یا کودک نفوذ کنیم، اخلاق خوش، مأنوس شـــدن با او، و رفتاری جلب کننـــده هم شـــرط است. والدین و مربیان که الگوی کار و عملند باید با کودک سنخیت پیدا کنند و رفتار مأنوسانه ای را از خود بروز دهند و به گونه ای عمل کنند که حتی مورد احترام کودک واقع شوند. برای اینکه کودک از عمل کســـی درس بگیرد، لازم است آن شـــخص به گونه ای عمل کند که طفل وی را دوست بدارد، از مصاحبت با او احساس غرور و لذت کند که این رمزی مهم برای جلب و جذب در همه سنین است.

زبان خوش، برخورد خوش، در بر گرفتن کودك، سرشار کردن او از نشاط و شادابی و دست کشیدن بر سر او به هنگام بیدار کردنش در نماز صبح در این راه فوق العاده مؤثر است و مجموعه این شرایط زمینه را برای مذهبی کردن و نمازخوان ساختن کودك فراهم می آورند. توصیه ما این است که هر چه محبت دارید، آن را در کپسولی بریزید و برای واداشتن کودك خود به نماز، در حلق او بیندازید؛ تا در مرحله اولیه حیات، دین را با لذت و نشاط بپذیرد.

ص: ۳۳

۴ _ کیفیت القای نماز

اشاره

برای پـذیرش نماز و یادگیری آن و اصولاً فراگیری و جـذب هر مطلب و مسأله ای حضور چند عامل به عنوان شـرط ضـروری لازم است:

۴ _ ۱ _ عامل آمادگی و توانستن:

کودک را در هر سن و شـرایطی نمی توان به نمـاز وادار کرد. نخست بایـد ببینیم آیـا در او آمادگی برای انجام آن کار وجود دارد یا نه؟ دامنه آمادگی برای امور مورد نظر بسیار وسیع و از آن جمله عبارتست از:

الف) آمـادگی جسـمی: مثلاً برای نماز خوانـدن توان ایسـتادن و حفظ تعادل در کودک ضـروری است و این به مقتضای سـن کودک است و همچنین لازم است کودک:

* بیمار نباشد (که توان ایستادن از او سلب شده باشد.)

* دچار سرگیجه و دل درد نباشد (که قرار و آرام در او ملاحظه نشود.)

* خواب آلود و در حال حیرت نباشـد (که خواب آلودگی، هر لـذت دیگری را در او تحت الشـعاع قرار می دهـد، حتی لذت خوردن و بازی را)

* خسته، فرسوده و کسل نباشد (که خود آن، روحیه همراهی در عبادت را از او می ستاند.

ب) آمـادگی بیـانی و لفظی: بـدین معنی که طفـل برای خوانـدن نمـاز بایـد قـادر به تکلّم باشـد، بتوانـد عبارات نماز را ولو به صورت ناقص ادا کند و البته فصیح خوانی والدین و مربیان و ذکر صحیح اوراد و اذکار در این زمینه نقشی اساسی دارند.

ج) آمادگی عاطفی: بدین معنی که کودک در شرایط عادی باشد؛ برای نمونه:

* در حال خشم یا بغض از دیگران نباشد؛ طفلی که به عللی از پدر یا مادرش عصبانی است، نماز خواندن در آن ساعت برای او عذاب آور خواهد بود و امر والدین در این زمینه روحیه بدی را در او ایجاد خواهد کرد.

* در حال ترس، اضطراب، کینه و تهدید نباشد؛ مثل ترس از کتک خوردن، ترس از حمله یک حیوان، حتی ترس از موش، سگ، گربه، سوسک و...

* علاقه به خدا در دل او باشد؛ معمولاً این امر در سه سالگی است و در سن شش سالگی، عشق به خدا، احترام به او و حتی احساس شرمساری از خدا در صورت تخلف از دستور او، در کودک وجود دارد و این خود یک زمینه مثبت است.

* دعوت کننده به نماز مورد علاقه و احترام او باشد و کودک او را دوست بدارد؛ مثلاً به هنگامی که پدری کودکش را تنبیه کرده و دلش را سوزانده است، دعوتش در کودک اثری نخواهد داشت. باید دقایقی بگذرد تا طفل حال و بینش اولیه خود را نسبت به پدر به دست آورد و یا پدر قبل از نماز و بعد از تنبیه با نوازشی او را آرامش و تسکین دهد.

د) آمادگی روانی: به گونه ای که عزم و اراده کودک برای انجام وظیفه عبادی با مسیر، شخصیت و خواست او همراه باشد؛

* او بخواهد که به نماز بپردازد، و البته این آمادگی در سایه تشویق ها و نوازشها میسر است.

* وجدانش سالم و عقلش بیدار باشد (البته این امر برای عبادت ناشی از

فهم است، نه در مرحله تمرین و پایه گذاری که اساس مقصد ما ایجاد عادت است).

* در مراحل بالا-تر و در دوره نوجوانی بتواند از مفاهیم و عبارات نماز سردرآورد و همچنین از نتایج عبادت که قرب به خداوند است آگاه باشد. بفهمد و بداند که کمال چیست و دارد چه می کند. دریافتی از رکوع و سجود لااقل در حدّ تعظیم و اظهار خواری در پیشگاه خداوند داشته باشد و البته تشریح ها و تبیین ها از سوی والدین و مربیان در این زمینه کارساز است.

ه) آمادگی محیطی: غرض ما از محیط شامل همه اماکن و شرایطی است که کودک را احاطه کرده و او را در میان گرفته است. در این زمینه نکات زیر باید مورد عنایت قرارگیرد:

* جوّ خانه و مدرسه، جوّ عبادت و نماز باشد.

* اصولاً در محیط و جوّ آلوده، روح نمازگزاری پدید نخواهد آمد؛ پس در هر جای مناسب حتی در و دیوار خانه و مدرسه در سایه شعارها و آراستنها، بوی نماز دهد.

* والدین و مربیان خود را بافته ای جدای از کودک احساس نکنند، در وقت نماز همگان آماده انجام دادن آن شوند و کسی کار و وظیفه دیگری را مطرح نسازد. چنان نباشد که پدری فرزندش را به نماز دعوت کند و خود سرگرم روزنامه خواندن باشد، یا مادری فرزندش را به نماز اول وقت بخواند و خود به کار دیگری بپردازد.

* در وقت نماز برنامه جاذب دیگری در سر راه نباشد؛ مثل برنامه

تلویزیون، داستان گویی ها، بگو و بخندها، غذا خوردن دیگران، بازیهای مورد علاقه کودک و...؛ این برنامه ها باید کاملاً تعطیل باشد و یا در حین نماز برنامه تلویزیون باید کاملاً قطع و یا در حال ارائه برنامه نمازخوانی باشد.

و) آمادگی عقیدتی: در خردسالی عقیده ای مبتنی بر رفتار بزرگترها برای کودک پدید می آید، ولی در سنین بعد به علت رشد ادراک و دستیابی به فهم و بصیرت، خود فرد به این مرحله می رسد و ایمان و اعتقاد خواهد بود که او را به عبادت می کشاند. البته اگر بخواهیم زمینه اعتقادی مناسبی را در او پدید آوریم، نیاز به برنامه ریزی و کار و فعالیت رسمی با کودک خواهیم داشت. از خردسالی تعالیم مذهبی را در قالب داستان، عمل و تقریر باید در ذهن کودک بریزیم و آن را تا سنین پایان نوجوانی، مرحله به مرحله ادامه دهیم.

۴ _ ۲ _ رغبت و خواستن

در واداشتن کودک به نماز این اصل مهمی است که شرایط را به گونه ای فراهم آوریم که کودک آن را بخواهد و بدان راغب باشد و جدّا دوست بدارد به همراه والدین برنامه نماز را انجام دهد. برای وصول به این مقصد از همان کودکی می توان شرایط را بدین گونه فراهم کرد:

الف) جاذبه های ظاهری:

نفس ظاهر و آرایش ظاهری، در باطن و خواست آدمی مؤثر است. بر این اساس:

* برای کودک جانماز زیبایی تهیه کنید.

* مهر و تسبیحی زیبا و پر زرق وبرق برای او فراهم سازید.

* در صورت امکـان حتی تهیه لبـاس زیبا و مناسبی برای پسـران و لباس و چادر نمازی قشـنگ برای دختران، در برنامه کارتان باشد.

* تزیین سـخن و کلام را فراموش نکنیـد. بـدین معنی که عبـارات نماز با جلوه ای زیبا، با صـدایی خوش و نواها و ترنّم هایی دلپذیر و با لحن و قرائتی جذاب باشد که دل کودک را تسخیر کند و صدای خوش از این بابت نعمتی است.

ب) جاذبه های معرفتی

* اسـتفاده از ادبیـات به صورت شـعرهای قشـنگ و سـرودهای زیبـا برای نمـاز، که گاهی شـما خود با کودک همصـدا آن را بخوانید. بچه ها به صورت دسته جمعی در خانه، مدرسه و محل بازی می توانند آن سرودها را اجرا کنند.

* ذکر نعمت ها و عنایات خداوند و بیان مهر و دوسـتداری او نسبت به کودکان، لطف و محبتی که او به انسانها روا داشته و... تا اندازه ای که دل کودک به محبت خداوند گرم شود.

ج) جاذبه های عاطفی

* اسـتفاده از فطرت و بیـداری فطری، که گفتیم کودک دوست دارد از حدود ۶ سالگی با خدا حرف بزند و با او رابطه داشـته باشد و شما با ترجمه چند جمله نماز، در این مسیر می توانید خواستهای او را تأمین کنید.

* خوشـرویی و داشـتن برخوردی خوش در حین دعوت به نمـاز. این دعوت را بـا نوازش و زبان خوش همراه کنیـد تا کودک همه گاه خاطره

خوشی از نماز داشته باشد و رابطه معقولی را بین شما، خودش و خداوند احساس کند.

* جانداری عبادت یا داشتن حال در حین نماز و قیافه بندگی و عبادت به خود گرفتن که باعث جلب نظر و جذب است. این توصیه ای اسلامی است که هرگز در حال کسالت به نماز مشغول نشوید.

* جنبه تهیّؤ و آمادگی والدین برای نماز که خود درکودک مؤثر است. بدین معنی که دقایقی قبل از اذان، والدین و مربیان کار خود را جمع و جور کنند و نشان دهند که می خواهند آماده نماز شوند.

* استفاده از میل و حال کودکانه او، بدین گونه که پس از نماز گاهی او را به لذتی، به نوازشی، به بوسیدنی، به شیرینی و شکلاتی مهمان کنید و حتی اگر این کار در مساجد صورت گیرد نیکوتر است و برای کودک خاطره شیرین معنوی در سایه ارتباط با لذّات مادی که نوعی تجلی لذّات بهشتی است، پدید می آید.

* در سنین بعدی، از شرایط تبشیر و انذار الهی هم می توان استفاده کرد که البته آن باید اقدامی محتاطانه باشد و پس از طی مراحلی که ذکرش گذشت صورت گیرد، آن هم در سنین حدود ده سالگی و به شرط انجام وظیفه از جانب شما و سرکشی از سوی او.

در کل فراموش نکنیم که نماز از یک نگاه، نمایش است، نمایش اطاعت، تبعیت، فرمانبری پس باید آن را جالب و جاذب کرد؛ طوری که کودک محیط خانه را چون سربازخانه نشناسد و پدر یا معلم را چون مأمور تنبیه، شکنجه و اعدام به حساب نیاورد.

ص: ۳۹

۴ _ ۳ _ آسان گیری ها

این نکته ای مهم است که در سالهای اول و مخصوصا در دوران خردسالی، در نماز به گونه ای عمل کنیم که کودک احساس جبر و خستگی نداشته باشد. نماز را برای او امری سنگین و کسل کننده نسازیم. به مصلحت اوست که نمازها، با ذکرهای طولانی و رکوع و سجود خسته کننده و طولانی نشود. حتی مستحب است به خاطر چند کودکی که با شما به نماز ایستاده اند، آن را سریع تر بخوانید. از برخی اذکار مستحبی صرف نظر کنید. هشیار باشید که او طفل است و حال و روحیه شما را ندارد؛ به ویژه که از بسیاری از حالات و رفتار شما سر درنمی آورد و معنی عبارات شما را نمی فهمد.

ممکن است کودک در سنین خردسالی در وسط نماز به دنبال شیئی جاذب بدود، پرنده ای یا حیوانی، نظر او را جلب کند و او به دنبالش روان شود، طبیعی است که درچنین صورتی نماز او باطل می شود؛ اما پس از نماز، وی را مورد بازخواست قرار نمی دهیم، بلکه بعدها، در فرصتی مناسب، به صورتی دوستانه و حتی با خنده و شادی می توانیم به او تفهیم کنیم که اشتباه کرده و نمازش باطل شده است. در ضمن سعی داریم، در طول مدت چند سال بتدریج، و هنگام احساس نیاز، مبطلات نماز و مقدمات و مقارنات آن را به او بیاموزیم. هرگز نمی خواهیم که او مقدمات نماز و یامبطلات آن را طوطی وار حفظ کند و برای ما بشمارد. حفظ مطالب، غیر از فهم عملی آنهاست.

در دوران خردسالی او باید نماز را نوعی بازی و تفریح، و نوعی همگامی با پدر و مادر، حتی در حد راضی کردن والدین و جلب نظر آنان به حساب

آورد، نه یک جبر و تحمیل، و نه برای یافتن یک حالت شور و وجد عارفانه!

والـدین و مربیانی که اصـرار دارنـد، حتی از روی جبر و اکراه بدون توجه به حال و روحیه کودک، او را نمازخوان بار آورند، ناخودآگاه موجب پیـدایش لامـذهبی های آینـده و پرورش افرادی عقده ای می شوند. چنین افرادی در نخستین فرصتی که به قدرت و اسـتقلالی دست یابند، ترک دین و عبادت خواهند گفت و ما شواهد و نمونه ها در این زمینه کم نداریم. طبیعی است که مسئولیت چنین وضعی بر عهده کسانی است که چنین زمینه ای را فراهم ساخته اند.

۴ _ ۴ _ تکرار و مداومت

بر مبنای شاکله انسان، در ایجاد رفتاری ثابت و عادتی اسـتوار باید از مجرای تکرار وارد شد. بسیاری از افکار و اعمال در سایه تمرین و عمـل مکرر در انسـان تثبیت می شونـد؛ حتی ایمـان آدمی هم نوعی تثبیت در سـایه عمـل است؛ «لاـ یَثْبُتُ الایمـان اِلّا بِالْعَمَلِ»(۱) و هر قدر عمل مکررتر باشد، امکان تثبیت آن بیشتر خواهد بود.

همچنین در تربیت دینی این اصـل وجود دارد که از راه ظاهر و عمل ظاهری می توان در باطن نفوذ داشت و برعکس. کودک را بایـد به ظـاهر عمـل و تکرار در این ظـاهر انس دهیم تـا باطن او شـکل گیرد. تجارب و تعالیم علمی نشان داده انـد که حتی عملی ریایی در صورت تکرار در فردی تثبیت می شود و پس از تثبیت می توان یک عمل ریایی را به صورت

۱- ۱_ کافی / ج ۱ / کتاب الکفر و الایمان

واقعی و بی ریا درآورد، بدان شرط که نیت عمل را عوض نماید.

این مسأله نیز تا حدی نافذ است که باید گفت حتی گریه تصنّعی فردی ممکن است به گریه ای واقعی منجر شود، یعنی «تباکی»ها ممکن است به «بُکاء» مبدّل گردد. گاهی ممکن است فردی به ریا در حضور جمعی نماز شب بخواند. تکرار این عمل ریایی در شبهای متوالی او را به عادت می کشاند. او پس از کسب عادت ممکن است واقعا ریا راترک کند و فردی اهل تهجّد شود.

بدین سان ما کودک را به تکرار ظاهر در عبادت سوق می دهیم تا زمینه برای انس او به عبادت، تثبیت عمل و ایجاد عادت در او فراهم آید (بویژه که طبیعت کودک هم، طبیعت تکرار است). این عمل ضمن اینکه یک طریقه تربیت دینی است، عاملی برای سرگرم نمودن کودک و ایجاد لذت برای او هم خواهد بود.

کودک از تکرار مکررات خسته نمی شود، خواندن مکرّر، ذکر مکرّر، مخصوصا اگر به صورت صوت و آواز باشد و ریتم و آهنگی هم اگر در کار باشد، کاملاً آن را پذیراست. مادران ما این را بخوبی درمی یابند؛ چرا که فرزندشان شعر و عبارات ساده ای را حفظ کرده، از بام تا شام بدان سرگرم می شود.

همچنین تکرار عامل فراگیری است و به همین خاطر توصیه کرده اند: «الدرسُ حَرفٌ، وَ التَکرارُ اَلفٌ» تکرار عامل ایجاد عادتی می شود که دست برداشتن از آن حتی در عبادتی چون نماز مایه نگرانی کودک می شود «لَو

تَرکُوا اِستَوحَشُوا»(۱)؛ اگر آن را ترک کنند به وحشت و ترس می افتند.

تکرار در عمل حتی مایه از بین رفتن کراهت و نفرت است. عمل جراحی یک پزشک و یا کار یک فرد در آزمایشگاه با خون، مدفوع، انگل ها و نمونه برداری از بافت ها، در آغاز کار امری کراهت آور است، ولی کار تدریجی و اشتغال مکرر، زمینه کراهت را از بین می برد.

۴ _ ۵ _ رعایت ضوابط:

در ضمن آموزش عملی نماز، آموزش ضوابط هم مورد نظر است. به این معنی که تدریجا به کودک می آموزیم که چه چیزهایی نماز را باطل می کند، و گفتیم که بیان مبطلات به صورت تدریجی و عملی است. به او می گوییم که مثلاً راه رفتن، حرف زدن، خوردن و آشامیدن در حین نماز، آن را باطل می کند و این آموزش به صورت حفظ طوطی وار و شماره کردن آنها نیست. برای اطمینان از این امر که آیا مبطلات نماز را می داند یا نه، به او می گوییم: «من نمازی را پیش تو می خوانم، ببین نمازم درست است یاباطل؟ و اگر باطل است به چه علت؟» در حضور او به نماز می ایستیم و در ضمن قرائت یا رکوع ناگهان راه می رویم، یا حرف می زنیم، تا او اشکال کار ما را بگوید و مثلاً یادآور شود که نماز با راه رفتن، باطل است.

همچنین است آموزش دیگر مسائل مربوط به نماز مثل وضو و اعمال عبادی دیگر و این شیوه عملی، شیوه ای است که رسول خدا صلی الله علیه و آله آن را مورد توجه و رعایت قرار می داد و مبتنی بر اصیل ترین اصول تربیتی،

۱- ۱ _ نهج البلاغه

یعنی اصل ارائه الگوست که کاربردش در همه سطوح نافذ است، مخصوصا در سطح کودکان.

می خواهیم بگوئیم آموزشهای نظری، نه تنها همیشه آموزنده نیست، بلکه در مواردی بسیار ذهن افراد را خسته می کند. اینکه بخواهیم کودک واجبات نماز را حفظ کند و طوطی وار آنها را برای بیان نماید، خواسته ای نابجا و غیرمعقول است تا حدی که ممکن است نماز را (مثل درس تاریخ، جغرافیا یا فرمول معادلات ریاضی) چیزی منفور سازد. کودک از طریق آموزشهای عملی باید به این فرمولها دست یابد یا چیزی رابه ذهن محفوظ دارد.

۴ _ ۶ _ تکیه بر تدریج:

می دانیم که گردش و کارگردانی نظام آفرینش بر اساس اصل مداومت، ولی تدریج است:

_ خداوند آسمان و زمین را در ۶ مرحله آفرید، با اینکه می توانست یکباره بیافریند.

_ جنین در شکم مادر بر اساس اصل تدریج رشد می کند، همان گونه که گیاه و نهال هم رشدی تدریجی دارند.

* تعالیم اسلامی تدریجا بر مردم عرضه شد و قرآن هم تدریجا بر مردم نازل شد.

* شراب و ربا (بعنوان دو مسأله ای که در عربستان قبل از اسلام رواج داشت) هم تدریجاً صورت تحریمی پیدا کردند.

* و در کل مردم بتدریج وارد در دین اسلام شدند و فراگیری و عملشان صورت ناگهانی نداشت.

ص: ۴۴

* افرادی چون اباذر، مقداد، حجر، میثم و... هم تدریجا به چنان مقاماتی دست یافتند.

بدین سان ما نباید بخواهیم و نباید انتظار داشته باشیم که کودک، یکشبه اهل عبادت و نماز شود. برنامه واداشتن و عادت دادن او به نماز باید بر اصل تدریج مبتنی باشد. کودک نباید یکباره بار سنگینی از وظایف دینی را بر دوش خود احساس کند و خود را به انجام دادن آن موظف بداند، حتی در مسأله وضو که مقدمه ای واجب برای نماز است توصیه شده است که کودک از ابتدا تا چند ماه به شستن دست قناعت کند و آنگاه تا چند ماه به شستن دست و صورت قبل از نماز بسنده نماید و از سن ۹ سالگی به بعد وضوی کامل بگیرد. غرض اینکه همه امور آموزشی و اجرایی دین باید صورت تدریجی داشته باشد.

۴ _ ۷ _ تشویق و تأیید:

* نماز را با تشویق و تأیید همراه کنید. عمل کودک را در این زمینه مورد ستایش قرار دهید و آن را مهم بشمارید، آنچنان که عظمت کار تا حدّ امکان باورش شود.

* درفرصت های مناسبی که به دست می آید او را به عنوان کودکی نمازخوان معرفی کنید و وی را بدان خاطر مهم بشمارید.

* کارهای او را به اسم نماز ستایش کنید مثلاً بگوئید:

_ چون کودک نمازخوانی هستی خدا به تو کمک خواهد کرد؛ چون نمازخوان هستی خدا تو را دوست دارد و...

_ آفرین بر تو پسرم که با نماز خواندنت داری بهشتی می شوی و خدا را از خود راضی می کنی.

ـ مرحبا بر پسرم که می خواهد در بهشت باشد، کنار پیرمرد باشد، کنار علی علیه السلام باشد و...

ـ آفرین بر دخترم که با نماز خواندن خود می خواهد مثل فاطمه زهرا علیهاالسلام باشد، دوست و همراه زینب علیهاالسلام باشد.

ـ از وقتی که نمازخوان شده ای، تو را بیشتر دوست می داریم، عمه، خاله، عموی تو هم برای نمازخواندن تو را بیشتر دوست دارند.

ـ چون وضو می گیری و نماز می خوانی، صورتت همیشه پر نور است. آدم نمازخوان در بهشت هم صورت درخشنده ای دارد و در نزد خدا عزیز است و...

۵ ـ شرایط القا

برای اینکه شرایط برای جلب و جذب کودک فراهم باشد، به تناسب سن، رشد ادراک و فهم و بصیرت او باید نکات ذیل را مدّ نظر داشته باشیم:

* آسان گرفتن عمل نماز به صورتی که طفل بسادگی بتواند آن را تحمل و اجرا کند.

* جاذب و دلربا ساختن این عمل (که از آن سخن گفتیم) فراموش نکنید که در این مورد زرق و برق هم جایی دارد.

* صراحت و روشنی عبارات، کلمات، اذکار و افعال؛ که این خود عاملی مهم در رغبت انگیزی است.

* قابل فهم بودن عمل، مثلاً به او تفهیم کنیم که رکوع نوعی تعظیم و بزرگ شمردن خداست. بی حرکت ایستادن و مؤدب بودن در حال نماز بدان

خاطر است که ما در برابر دستگاه عظیم الهی باید خاضع باشیم.

* فهم مقاصد نماز در قالب مثالها و داستانها و شرح و توضیحات شما که این کار هم صورت تدریجی دارد.

* تکیه به عرضه و ارائه عملی نماز و نمایش آن توسط پدر، مادر، معلم یا افرادی که محبوب و مورد علاقه اند.

* هدایت کودک و رفع اشکالات او در ضمن عمل، آن هم نه به صورت یکباره؛ مثلاً اصرار نداشته باشیم حتما در فاصله یکی دو روز، تجوید نماز و مخارج ادای کلمات او را اصلاح کنیم.

* آشنایی با کیفیت ها و مواضع مربوط به نماز؛ مثلاً آشنایی با حالت سجده، تشهّد، رکوع، طمأنینه، توالی و...

* رعایت تقدّم و تأخر مسائل، جمع بودن حواس، و... که همه این امور در عین رعایت مداومت باید بر اساس اصل تدریج باشد.

۶ _ نحوه تمرین و عمل

اشاره

در مورد نحوه عمل برای واداشتن کودک به نماز در خانه و مدرسه، می توان به صورت زیر عمل کرد (آنچه ذیلاً ذکر می شود تنها بعنوان مثال و نمونه ای است و هر کس به تناسب طرز فکر و تجارب خود می تواند به نوعی دیگر عمل کند).

۶ _ ۱ _ در خانه:

فرض کنید والدین در خانه ای می خواهند نماز بخوانند.

الف) شرایط عمومی:

خانه را باید آماده و برای نماز چنین بازسازی کرد:

* دقایقی قبل از نماز، والدین آماده تطهیر شوند و وضو بسازند.

* با شنیدن صدای اذان، والدین آماده، رو به قبله بنشینند و ذکر اذان را زمزمه کنند؛ حتی از فرزندشان بخواهند که او هم اذان بگوید.

* دعوت از پسر یا دختر، با محبت و خوشرویی، برای نماز؛ که وقت نماز و زمان سخن گفتن با خداست، بیایید آماده شوید تا نماز بخوانیم.

* جانمازی زیبا، مهری قشنگ و تسبیحی زیبا برای او تهیه نمایید.

* از جاذبه های کلامی مناسب، و عبارات موزون استفاده کنید.

* تسریع در آمادگی برای نماز، به گونه ای که کودک احساس مسئولیت والدین را در آن مورد دریابد و ببیند که آنها همه کارهای خود را به خاطر نماز رها کرده و آماده انجام این فریضه الهی شده اند.

ب) نحوه بیدار کردن کودک:

* هنگام صبح برای اجرای برنامه نماز در خانواده، بر طبق دستور صریح اسلام پدر مسئول است. او برای انجام این مسئولیت، خود باید زودتر از دیگر اعضای خانواده بیدار شود و از جای برخیزد (البته پدران و مادرانی هم هستند که اهل نماز شب هستند و قبل از اذان بیدارند).

* آنها که خسته اند یا خوابی سنگین دارند، بهتر است با صدای زنگ ساعت بیدار شوند و این، برای افراد خانواده عادت شود.

* پس از بیداری، فرزندان خود را با صدای خوب، گرم و دلپذیر بیدار کند ـ به این صورت:

علی جان من، فاطمه جان من، برخیز، وقت نماز است ... و آنقدر صدا کند تا آنها هشیار شوند و پس از هشیار شدن آنان را به خود رها کند و خود به دنبال تطهیر و وضو رود.

* پس از برگشت، اگر بچه ها را در حال خواب دید، مجددا با همان صدا و نوازش آنها را صدا کند تا هشیار شوند. وقتی هشیار شدند و جواب دادند، آنها را به خود رها کند و خود بالای سر آنها با صدای بلند نماز را شروع کند.

* پس از نماز اگر باز هم آنها در خواب بودند، به سراغشان برود و با صدای دلپذیر، با دست کشیدن بر سر و روی آنها، با نوازش بدنی، گاهی هم تحت عنوان شوخی با بچه ها، به صورت بغل کردن و بلند کردن آنها، بیدارشان کند، به دستشویی راهنمایی شان نماید و حتی صورتشان را بشوید تا کاملاً هشیار و آماده نماز شوند.

در همه حال باید سعی کرد خاطره بیدار کردن برای نماز را برای بچه ها دلپذیر ساخت، به گونه ای که از آن صحنه ها خاطره تلخی در ذهن نداشته باشند. به نظر ما اگر این کار تنها به مدت یک هفته بطور منظم تعقیب شود، به صورت عادتی مناسب در آنان باقی خواهد ماند یا لااقل از آن احساس سنگینی نخواهند داشت. مهم این است که همه مهر و محبت خود را در بیدار کردن کودکان و انجام فریضه شان صرف نماییم.

ج) در حین نماز: ممکن است پس از ذکر اقامه نماز، در حین انجام مراحل آن چیز جالبی توجه فرزندتان را به خود جلب کند و به دنبالش روان شود. گفتیم که نباید از وی بازخواستی به عمل آورد، مگر در سنین پس از ۸ و ۱۰. ضمن خنده ای پس از نماز در فرصتی به او می گوییم که این کار تو نماز را باطل می کند و اگر آدم بزرگی در حین نماز چنین کند، باید نمازش را از اول بخواند؛ از سرزنش، مسخرگی و تهدید در این موارد باید بپرهیزیم.

گاهی ممکن است فرزنـد شـما در حال سـجده در نماز صـبح به خواب رود. برای بیدار کردن مجدد او هرگز از خود خشونتی نشان ندهید و مهر و عنایت شما همچنان باید تداوم یابد.

۶ـ ۲ـ در مدرسه

اشاره

در مـدرسه نیز بایـد شـرایط را برای نمـاز خوانـدن مساعـد کرد. در این راه والـدین، معلمان، مـدیران و دیگر مسـئولان بایـد به صورت هماهنـگ عمل کننـد. بر مبنای یک تجربه علمی، شـرایط محیط خانه، جو مـدرسه و نحوه عملکرد مربیان، مسـئولان و حتی کیفیت دعوت آنها به نماز، در کودکان و محصلان تأثیر گذار است.

من این نکته معترضه را نیز در همین جا متذکر شوم که روش موجود آموزش دینی و اقامه نماز در بسـیاری از مؤسسات نه تنها افراد را متـدین و نمازگزار بار نمی آورد، بلکه به علت خشـکی و خشونت، گاهی موجب زدگی از نماز، مسـخره کردن نماز، ادا درآوردن در حال نماز و سـرانجام بی رغبتی به دین خواهدشـد، که این خود نیازمنـد تحقیق و بحث و بررسـی جداگانه ای است.

الف) تجربه ای عملی: قبلاً به عرض رساندم که سالها در کلاس اول ابتدایی، به تدریس اشـتغال داشتم. در آن ایام در کلاس، هر روز تمرین و اجرای برنامه نماز را داشتیم. روش اجرای برنامه ام که طرفداران بسیاری (از کودکان، والدین آنها، معلمان و مربیان) داشت، بدین قرار بود:

* بچه ها در کلاس در حالی که روی نیمکتها نشسته بودند، آماده انجام نماز می شدند.

ص: ۵۰

* نخست یک بار حمد و سوره را برایشان با صدای بلند می خواندم تا گوششان به عبارات آشنا شود.

* آنگاه همه با هم، همصدا، بالحنی خوش، سوره حمد را می خواندیم در حالی که دستها روی زانوها بود.

* سپس به ترتیب سوره توحید را می خواندیم، بعد اذکار رکوع، سجود، قنوت، تشهد و...را می گفتیم.

* بچه ها همچنان که روی نیمکتها نشسته بودند برای رکوع کمی خم می شدند.

* برای سجود پیشانی را بر روی میز می گذاشتند و اذکار را همصدا بیان می کردند.

* حالی بود و علاقه ای. بچه ها این برنامه را بسیار دوست می داشتند، تا حدی که آن را یک روز هم تعطیل نمی کردند. اگر روزی غفلتی از من در اجرای برنامه ها صورت می گرفت، آن را یادآوری می کردند. پس از چند ماه تمرین عملی در کلاس، اجرای برنامه نماز را به حیاط مدرسه، یا به نمازخانه می بردیم و دانش آموزان کلاسهای دیگر هم این برنامه را تماشا می کردند.

ب) آموزشهای جنبی: به همراه نماز، مسائل آن، از مقدمات، مقارنات و مبطلات به صورت عملی آموخته می شد؛ مثلاً به آنها این نکات را می آموختیم که وقت نمازهای پنجگانه کدامند، در حین نماز بدن باید پاک باشد، باید رو به قبله بایستیم، خوردن و آشامیدن نماز را باطل می کند و...

گاهی برای بچه ها نماز می خواندم و می گفتم: ببینید کدام عمل من غلط

ص: ۵۱

است؛ در وسط نماز غـذایی، را به دهان گذاشـتم، بچه ها فریاد می زدند: نمازت باطل است چون غذا خوردی یا در میان نماز راه می رفتم، آنها فریاد می زدند: باطل است چون راه رفتی و...

این برنـامه برای بچه هـا بسـیار لـذت بخش بود و حتی جنبه تفریحی داشت؛ لـذا اصـرار می کردنـد که برنـامه هـا تکرار شود. حاصـل کار ما بسـیار خوب بود؛ رغبتی به نماز در آنان پیـدا شـده بود، به نماز انس و ارادتی نشان می دادنـد و از آن احساس جبر و عقـده ای نداشـتند. هم اکنون بسـیاری از آن شاگردان را می شـناسم که مردی شـده انـد و بزرگ هسـتند، ولی هنوز از خاطره خوش ۳۰ سال قبل خود حرف می زنند و از آن بخوبی یاد می کنند.

پس از مـدتی برنـامه آموزش وضو انجام می شـد که آن هم صورتی عملی داشت. در حیاط مـدرسه بچه ها را دور خود جمع می کردم و در حضور آنان وضو می ساختم. روش شسـتن دسـتها و صورت، مسح سـر و پاها را عملاً یاد می دادم. آنگاه آنان را به تمرین فردی برای وضو گرفتن واداشـته، اشـتباهات ایشـان را رفع می کردم که به این کـار هم رغبتی داشـتند و بـا شور و شـوق در برنـامه آن شـرکت می کردنـد. در دوران دبیرسـتان، (در کلاـس اول آن) هـم به یـاد دارم که برنـامه وضـو، تیمم، و آموزشهای عملی دیگر را برای بچه هایی که در آستانه بلوغ بودند، اجرا کردم و به نظر من برنامه موفقی بود.

ج) فعالیت های جنبی دیگر: با اجرای برنامه های آموزشـــی نماز، برنامه تشویق نمازخوانها را هم در مدرسه داشتیم؛ بطوری که تشویق ها در کلاس، در سر صف، و در مقتضایی که پدید می آمد مطرح می شد و با این کار عمل نمازخوانی را در

مـدرسه و در سـر صف مورد تقـدیر قرار می دادیم. حضور در برنامه نماز، عملی مهم به شـمار می آمد و از این مسأله چنان با عظمت یاد می شد که بچه ها اصرار داشتند خود را در صف نمازخوانان حاضر سازند.

در روزهای آفتابی، نماز در وسط حیاط مدرسه و در معرض دید دیگران برپا می شد. بچه ها خود رغبتی داشـتند که در برنامه نماز شـرکت کننـد. هیچ گونه جبر و تهدیدی برای نماز وجود نداشت و این عدم اصـرار، خود عامل جلب کننده ای بود. البته در مـدرسه و کلاس، نمازخوانها بیشتر مورد عنایت قرار می گرفتند و این خود عامل دیگری برای جلب و جذب به حساب می آمـد؛ حـتی در مواردی تشویق هـا را به اتکـای نمـاز قرار می دادیم و از تنبیه هـا بـدان خـاطر صـرف نظر می کردیم؛ مثلاًـ می گفتیم: «چون تو شاگردی نمازخوان هستی از گناه تو گذشـتم؛ چون کودک نمازخوانی هستی، تو را بیشتر دوست دارم؛ چون نمازخوان هستی، به تو احترام می گذارم؛ چون نمازخوان هستی و دروغ نمی گویی حرف تو را باور دارم و...»

در مواردی در مـدرسه به کودک سـلام می کردیم و می گفتیم: «سـلام بر تو ای احمد آقا، پسـر خوب و نمازخوان. احوال تو پسر نمازخوان چطور است؟ مرا در سر نماز دعا می کنی یا نه؟ من در نماز، تو و همه بچه های نمازخوان را دعا می کنم و...»

کلاًـ در حضور این و آن به نمـاز و نمـازخوان تکیه می شـد و سـعی داشـتیم نمـازخوان را همردیف پـاکی، تقوا، راسـتگویی، امانتـداری، پرهیز از کارهـای زشـت و ناپسـند بـه شـمار آوریم و نمازخوانـان را واداریم که به برکت نمـازخوانی ترک دروغ، تنبلی، و بد اخلاقی گویند و...

۷ _ القائات لازم

اشاره

از مسائل مهم در آموزش و اقامه نماز، همراه کردن آن با القائات سازنـده و جهت دهنـده است. این القائات در دو بُعد و مورد عنایت قرار می گیرند:

۷ _ ۱ _ بعُد اثباتی: به همراه نماز دائما به کودک القا شود:

* چون بچه نمازخوانی هستی، خدا تو را بیشتر دوست دارد.

* ما که پدر و مادر تو هستیم تو را به خاطر نماز خیلی بیشتر از وقتی که نماز نمی خواندی دوست داریم.

* پسرم نمازخوان است و خدا نمازخوان را به بهشت می برد.

* خدا از آدم نمازخوان راضی است، من هم از تو راضی هستم.

* حتی اشـکال نـدارد که در مواردی در حضور مهمانان از پسـر یا دختر خود تعریف کنیم که:«پسـرم احمـد، بحمـدللّه بزرگ شـده و نماز می خوانـد. دخترم فاطمه بزرگ و فهمیـده شـده است، به همین علت نماز می خواند. او می داند که نماز خواندن نوعی حرف زدن با خدا و نزدیک شدن به خداوند است، او با خدا حرف می زند، با خدا دوست شده است و...»

در همه حـال مفهوم نمـاز و نمـازخوانی را بایـد بـا لغـات و کلماتی از قبیل بزرگ بودن، فهمیـده بودن، رضای خـدا، بهشت و جاودانگی، نعمت و رحمت، دوستی و علاقه و... همراه کرد.

۷ _ ۲ _ بعُـد نفیی : در القائات مربوط به نفی مصداق های گوناگون: «ان الصـلوه تنهی عن الفحشاء و المنکر» را به او تفهیم می کنیم؛ مثلاً به او تفهیم می کنیم و متذکر میشویم که:

* تو آدم نمازخوانی هستی، دروغ گفتن از تو بعید است.

* در مورد تو که آدم نمازخوانی هستی، باور ندارم که پدر یا مادر را اذیت کنی.

* آدم نمازخوان که تنبل نمی شود، بیکاره و تن پرور نمی شود.

* آدم نمازخوان که تقلب نمی کند، ادای کسی را در نمی آورد، دزدی نمی کند.

* آدم نمازخوان که حرف بد نمی زند، کار بد نمی کند، مسخرگی ندارد.

این القائات باید به صورت مکرر و مداوم و برای موارد خاص بیشتر مورد اتکا باشد.

۷ _ ۳ _ اثربخشی القا: برای اینکه القائات مؤثرتر و نافذتر باشد، در مراحل بعدی حیات می توان زمزمه ها و تذکراتی داشت که اغلب آنها:

* تذکراتی پس از آموزشِ ظاهراست؛ یعنی اول اسکلت کار را آموزش می دهیم، و بعد جنبه های دیگر را.

* تذکراتی پس از تمرینها و ایجاد عادات لازم برای امری چون نماز است.

* تذکراتی با رعایت اصل تدریج، مراقبت و مداومت است.

البته ذکر فضایل نماز و یادآوری نقش آن در سازندگی ها و رشد جنبه های اخلاقی و انسانی خود در این راه مؤثر است و والدین و مربیان این مسئله را همه گاه باید متذکر شوند.

در سنین نوجوانی بتدریج می توان مسئله قرب به خدا را برای او مطرح کرد، مخصوصا از این بابت که در این مرحله احساس مذهبی در نوجوانان بیدارتر می شود. او می تواند در شأن و شرایطی باشد که حضور خود را در

پیشگاه خداوند یا قرب به او را احساس کند، جهان را محضر خدا بداند و همه گاه به یاد او و با احساس حضور او باشد.

۸ _ آغاز دعوت و تمرین

اشاره

در مورد اینکه از چه سنی کودک را به نماز و تمرین جهت انجام عبادت واداریم، نظریات مختلفی وجود دارد: نخست باید این نکته را متذکر شویم که بر اساس بررسی های روانکاوان، حس یا احساس مذهبی در انسانها از چهار سالگی و به نظر عده ای دیگر از ۲ تا ۳ سالگی بیدار می شود. البته بیداری و شکفتگی مذهبی و احساس مسئولیت درباره آن (که با احساس مذهبی متفاوت است)،از سنین پس از ۱۱ سالگی ایجاد می گردد. این احساس در ۶ سالگی به همراه رشد کودک علنی می شود و ما تظاهرات آن را در کودکان می بینیم. به همین جهت اعتقاد داریم که تمرین نماز باید از خردسالی و حتی از سنّ سه سالگی آغاز شود، که کیفیت آن را بیان خواهیم کرد.

اتفاقا این فکر در دنیای غرب هم وجود دارد. «جان لاک» که از فلاسفه و صاحبنظران مهم غرب است در کتاب خود می گوید:«تصور خدا را از همان آغاز کودکی [باید ایجاد کنیم] و عشق و احترام به او را در کودک بیدار کنیم.»(۱)

دیگران هم نظر داده اند که درباره خدا و مذهب از چهارسالگی می توان سخن گفت. (البته سخن در مورد عدل، نبوت، امامت و معاد در این سّن

۱- ۱ _ اندیشه هایی در تربیت / ص ۳۱۴

هنوز زود است) رغبت به خدا را هم از همان سنین می توان در کودک پدید آورد، طوری که خدای را دوست بدارد، همچنانکه پدر و مادر خود را دوست می دارد.

مراحل آن: دعوت به نماز و آموزش آن را مانند آموزش یا پرورش دیگر جنبه های مذهبی، می توان در سه مرحله مد نظر قرار داد:

۸ ـ ۱ ـ دوران تمهید: که در واقع دوران پایه گذاری ها و آشنایی هاست؛ دوره آمادگی دادن است. در این مرحله چشم کودک را باید به ادا و اطوار و حرکات نماز آشنا کرد و بر این اساس از همان دوران خردسالی کودک، پدر و مادر باید نماز را جلوی دیدگان کودک و در وقت بیداری او بخوانند تا او این اعمال و رفتار را ببیند و از این دیدنها، تشکّلی ذهنی برای او حاصل شود.

از خردسالی باید گوش کودک را به زمزمه ها، آواها، ترنّم ها و لحن نماز آشنا کنیم تا او نغمه های الهی را از زبان پدر و مادر بشنود و به اصطلاح گوش او با آن صداها و نغمه ها پر شود و این شنیدن هم امری مأنوس برای کودک گردد.

۸ ـ ۲ ـ دوران تمرین: که در آن کودک را به نماز دعوت می کنیم و به نظر ما این امر از سه سالگی قابل اجراست. به این صورت که:

* در وقت نماز بچه ها را به شکلی مناسب صدا می کنیم؛ مثلاً می گوئیم:

علی جان بیا، وقت نماز شده، می خواهیم نماز بخوانیم.

فاطمه جان بیا، می خواهیم نماز بخوانیم، می خواهیم با خدا حرف بزنیم.

پسرم بیا، اذان گفتند. اذان یعنی خدا ما را دعوت کرد که بیائیم با او حرف

بزنیم، نماز بخوانیم.

* در این رابطه سعی داریم که این کار صورت اجبار نداشته باشد (در این باره بحث خواهیم کرد).

* در ضمن تمرین، معیارها و ضوابط را آرام آرام و در طول چند سال به او می گوئیم.

او را عملاً با مقدمات و مقارنات نماز آشنا می سازیم (همانطوری که که بحث آن گذشت).

* سعی داریم برنامه کار، بازی، مشق و تفریح او را طوری منظم کنیم که با برنامه نماز برخورد نداشته باشد و البته مسئولان صدا و سیما هم برای این ساعت برنامه دیگری تهیه کنند که جهت دهنده کودك به سوی نماز باشد.

۸ _ ۳ _ دوران تکلیف: غرض، دوران تکلیف نسبت به نماز و واداشتن کودک به آن است و آن مرحله ای است که کودک به حد رشد و تمیز رسیده، احساس مذهبی در او علنی و نمودار شده است و این امر حدود سنین ۶ تا ۷ سالگی است.

در این سن کودك در شرایطی است که می تواند بار عبادت را در حد توانایی خود بر دوش کشد. او کفایت و لیاقت مطلوب برای نماز خواندن را به دست آورده، می تواند سر پا بایستد و چند دقیقه به افعال نماز بپردازد. روایات ما هم در مورد این سن نظر دارند و نماز را در این سن مورد تأیید قرار می دهند. در روایتی از امام باقر علیه السلام آمده است: «ما فرزندانمان را از پنج سالگی به نماز وادار می کنیم و شما از ۷ سالگی آنها

را به نماز خواندن امر کنید»(۱) در روایتی دیگر آمده است:«وقتی کودک ۷ ساله شـد، دست و رویش را به بهانه وضو بشوید و نماز بخواند و چون ۹ ساله شد، با وضوی صحیح و کامل نماز بخواند»(۲)

۹ _ راهنمای ما در اجرای نماز

اشاره

راهنمـای ما در اجرای برنامه نماز در دوران کودکی و نوجوانی چنـد اصل است که در روانشناسـی تربیتی از آن بحث شـده و مورد عنایت صاحبنظران است؛ این اصول عبارتند از:

۹ _ ۱ _ اصل پیشدستی

معنی پیشـدستی عبـارت از اقـدام قبـل از زمان مورد نظر است. ما در امر آفرینش پیشـدستی را به صـراحت و عیان می بینیم، به عنوان مثـال قبـل از ولاـدت کودک، خداونـد پسـتان مادر را پر از شـیر کرده است و این یک پیشـدستی است؛ بـدین معنی که هنگام ولادت غذای او آماده است.

نمونه دیگر، بذری است که خداوند شاخ و برگ و گل و میوه را در نهاد آن قرار داده است؛ وقتی که بذر از خاک سـر بر می آورد، آن اعضاء از این بذر پدید می آید.

طفل در دوران جنینی دست و پا و دیگر اعضا را پیـدا می کنـد تا پس از ورود به این جهان آنها را به کار گیرد و این نیز یک نوع پیشدستی است.

یک راهنمای ما در تربیت کودک، آفرینش است که بر این اساس، پیشدستی در تربیت باید مورد نظر باشد؛ یعنی قبل از اینکه کودک به بلوغ

۱- ۱ _ وسایل الشیعه / ج ۳ / ص ۱۲

۲- ۲ _ همان / ص ۱۳

و دوران وجوب نماز برسد باید جنبه اجرا و عادت بدان را دریابد. امام صادق علیه السلام فرمود: «اَوْلَی الْاَشیاءَ اَنْ یَتَعَلَّمها الْاَحداثَ الّتی اِذا صاروا کِبارا احتاجُوا الیها»(۱) ؛ سزاوارترین چیزی که به افراد نسل نو رسیده باید آموخت چیزی است که وقتی بزرگ شدند بدان نیاز دارند. و این یک پیشدستی را نشان می دهد.

یا در امر دین آموزی فرمود: «بادروا اَوْلادَکم بِالْحَدیثِ قَبْلَ اَنْ یَسْبِقَ اِلَیهمُ المُرجِعَه»(۲)؛ فرزندان خود را با داستان و سخن دین آشنا کنید، پیش از اینکه عوامل گمراه کننده بر آنان دست یابند.

این حدیث هم نشان دهنده نوعی پیشدستی است.

۹ _ ۲ _ اصل پایه گذاری و تمرین

در این اصل مقصد ما این است که زمینه و شرایط به گونه ای فراهم آیند که نمازخوانی به صورت امری پایه دار در کودکان درآید و آنان تمرینهای لازم را برای انجام این فریضه انجام داده آمادگی کافی یافته باشند.

در رعایت این اصل، اصول دیگری هم مطرح و مورد نظرند که هر کدام در روان شناسی روز برای خود جای پائی دارند و با شرایط رشد و فطرت هماهنگ می باشند؛ مثل:

الف) اصل تلقین پذیری: این اصل در دوران خردسالی در کودک فوق العاده شدید است و باید از آن استفاده کرد.

ب) اصل انعطاف پذیری: بر اساس این اصل کودک را به چوب تر تشبیه کرده اند که قابل خم و راست شدن است.

۱- ۱ _ وسائل الشیعه / ج ۳

۲- ۲ _ کافی / ج ۱ / ص ۴۷

ج) اصل تأثیر تعلم در خردسالی: بر اساس این اصل، تعلیم کودک را چون نقش در سنگ خوانده اند؛ «التعلّمُ فِي الصِّغَرِ كَالْنقشِ فِي الْحَجَرِ».

د) اصل نظم و سازماندهی: این اصل در دوران کودکی فوق العاده مورد علاقه طفل است.

ه) اصل تقلید: در همه کودکان به صورتی طبیعی و عادی وجود دارد.

و) اصل همانندسازی: بر مبنای این اصل کودک سعی دارد خود را همانند الگوی مورد نظر سازد.

ز) اصل تشکل ذهنی در کودکی: طبق نظر روان شناسان، دوران کودکی دوران تشکیل ذهن و دوران رنگ گیری یافته ها می باشد.

ح) اصل تشکیل شخصیت: مطابق این اصل جنبه های ظاهر و باطن درآمیخته، سازمان متحرکی را از کودک به وجود می آورند.

ط) اصل تشکّل اخلاق مبنی بر این که روان شناسان تشکیل ۷۰ درصد از اخلاق را در همین سنین (تا ۶ سالگی) می دانند.

و ...

۹ _ ۳ _ اصل فریضه سازی

و آن به این معنی است که در اثر مداومت در اجرای برنامه ای، کاری کنیم که کودک فعالیت عبادی خود را به صورت امری واجب و دائمی درآورد و همیشه خود را به رعایت آن ملزم بداند. فریضه سازی خود به دو صورت است:

الف _ به صورت تحمیل اجبار و اکراه که در آن طفل را به عملی، اگر چه خواستار آن نباشد وادار می کنیم. البته باید بگوییم این اقدام درباره طفل مؤثر است، ولی در مواردی بسیار اثر آن نامداوم است و هرگاه که جبر و

تحمیل از او برداشته شود، ممکن است به وضع سابق برگردد.

ب _ به صورت دوستانه و با رفق و مدارا و محبت و انس، همراه با درک و فهم نسبی در کودک که دوام و ثبات آن بیشتر است و در بینش اسلامی هم بیشتر مورد عنایت است؛ رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:«انّ هذا الدّین مَتینٌ فَاَ وغِلُوا فیه بِرِفقٍ»(۱) و همچنین فرمودند: «وَ لاـ تُکرِهُوا عِبادَ اللّه ِبِعِبادَهِ اللّه ِ»(۲)؛ بندگان خدا را به عبادت خدا مجبور نکنید و یا بر آنان جبرا تحمیل ننمائید. از نظر فلسفی هم این نکته قابل ذکر است که «اَلْقَسْرُ لا یَدُومُ»؛ چیز جبری، دوام نخواهد یافت.

۹ _ ۴ _ اصل استفاده از فرصت

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «اِنّ لِلّه فی اَیّامِ دَهْرِکُمْ لَنَفَحاتٌ اَلا فَتَعَرَّ ضُوا لَها»(۳)؛ مطمئنا در مسیر زندگی تان گاهی نسیمهای ملایمی می وزد، هشیار باشید و خود را در معرض آن نسیمها قرار دهید. در جریان رشد کودک هم این فرصتها به تناسب مراحل، به صورت بیداریها رخ می نمایند. مربّی باید آنها را به عنوان سکوی پرش کودک قرار داده، او را به پیش برد. اگر این فرصتها از میان بروند، معلوم نیست به سادگی قابل بازگشت باشند. نوع بیداری هایی که در جریان رشد برای افراد رخ می دهند هر کدام به مثابه فرصتی گرانبها در تربیت نسلند، از جمله:

الف) بیداری فطرت که مخصوصا تا ۴ سالگی به صورت عینی در حیات کودک وجود دارد و در دوره نوجوانی به مرحله احیای مجدد می رسد.

۱- ۱ _ بحارالانوار (کمپانی) / ج ۱ / ص ۱۷۲

۲- ۲ _ همان

۳- ۳ _ نفحات الانس

این نکته را بایـد متـذکر شویم که فطرت در سه مرحله از عمر جـدّا بیـدار است: در سه سال اول عمر، در مرحله نوجوانی و در لحظه مرگ و جان دادن.

ب) بیـداری وجدان که از حدود ۸ سـالگی در کودک ایجاد می شود و در نوجوانی به اوج خویش می رسـد. کودک در این مرحله در شرایطی است که اگر مرتکب خطایی شود، خود را سرزنش می کند.

ج) بیداری تمیز و تشخیص که اساس آن در ۶ سالگی است و کودک به مبانی حسن و قبح عمل آگاه می گردد؛ ضمن اینکه دنیای متفاوت مرد و زن را هم درمی یابـد. بسـیاری از مسائل مربوط به روابط علت و معلولی درباره نیکی و بـدی در این سـن روشن می شود.

د) بیداری احساس مذهبی که گفتیم در ۴ سالگی و حتی قبل از آن وجود دارد و تظاهرات آن در ۶ سالگی است. این بیداری در سنین نوجوانی در حدّ بالایی بروز می کند.

ه) بیداری جامعه پذیری که در آن کودک از حدود سه سالگی می خواهد خود را با ضوابط و مقررات جامعه تطبیق دهد. این حالت در سنین ۶ و ۷ سالگی تشدید می شود و خواست و توقعات اجتماعی (چشمداشت اجتماعی) در او مؤثر است.

و) بیداری فرهنگ پذیری که در آن طفل از حدود ۴ سالگی می خواهد خود را با فرهنگ و معنویت جامعه و اطرافیان خویش تطابق دهد و این خود زمینه ارزنده ای برای قبول تعالیم مذهب است.

۹ ـ ۵ ـ اصل اسوه پذیری

کودک به دنیا می آید در حالی که نسبت به امور و مسائل زندگی جاهل

است، طرز عمل یا به کارگیری پدیده ها را نمی شناسد؛ اما چشمان او دریچه هایی به سوی دنیای خارجند، او آنچه را که از رفتار دیگران می بیند به مرحله اجرا و عمل می گذارد.

عمل و رفتار مادر و بعدها عمل پدر و اطرافیان برای کودک درس رفتار و عمل به حساب می آیند. کودک با الگوگیری از اسوه ها، طریق عمل را می آموزد. رسول خدا صلی الله علیه و آله با استفاده از همین اصل به تعلیم دین و روش زندگی پرداخت. او در نماز خواندن، وضو گرفتن، عمل حج و دیگر برنامه های زندگی عبادی، به همین گونه عمل فرمود. قرآن هم به ما دستور داد که به پیامبر صلی الله علیه و آله تأسی کنیم؛ «لَقد کانَ لَکُم فی رَسُولِ اللّه ِ اُسْوَهٌ حَسَنَهُ»

در محیط خانه، پدر و مادر باید اسوه و الگوی عمل برای کودک باشند. هماهنگی آنها در عبادت و در اجرای نماز مخصوصا در حضور کودک باید مورد رعایت و عنایت باشد، به ویژه از آن بابت که کودک از آنها درس می گیرد، به همین خاطر مسؤولیت والدین در این راه سنگین است. آنها حداقل به خاطر کودک خود، آزاد نیستند به هر گونه ای که می خواهند، عمل کنند.

۱۰ _ امکان پذیرش

اشاره

در امکان واداشتن کودک به نماز این سؤال مطرح است که آیا برای چنان اقدامی، امکان پذیرش وجود دارد؟ با آنکه پاسخ به این پرسش به دلیل عمل، مشهود و برای ما مثبت است، باز هم اعلام می داریم که زمینه و امکان آن، علما و عملاً وجود دارد.

ص: ۶۴

۱۰ _ ۱ _ از نظر امکان: دلایل زیر قابل ذکرند:

* تجارب روزمره ما و شما بهترین سند است و همه می دانیم که ما خود در سایه تربیت گذشتگان اهل نماز شده ایم و به نوبه خویش این ما بودیم که فرزندان خود را برای نماز پروراندیم. اگر در این مورد نوادری وجود دارند، گفته علما درباره شان صادق است که: «اَلنادِرُ کالمَعْدُومِ» که تازه برای عملکرد افراد نادر هم دلایلی وجود دارد. علم روز به ویژه روان شناسی این امکان را تأیید می کند.

* ما گفته بودیم که کودک موجودی تلقین پذیر، مقلد، همانندجو، انعطاف پذیر و فراگیر است، پس در هر سن و سطح و درجه ای از فهم که باشد می توانیم به تناسب، به او مطالبی را بیاموزیم.

* اصل ارسال رسل و دعوت انبیاء، اصل تکلیف و اصل عرضه امانت در قرآن از سوی خداوند به بشر، خود مؤید پذیرش انسان نسبت به تکالیف و وظایف است و اگر امکان آن پذیرش نبود دعوت انبیاء و درخواست تکلیف معنی نداشت.

۱۰_ ۲ _ از نظر زمینه ها: باور ما این است که:

* فطرت کودک خدا آشناست و نفخه ای از روح منتسب به خدا در انسان وجود دارد.

* وجدان انسان در کودکی بیدار و در نوجوانی بیدارتر است.

* بسیاری از روان شناسان میل به ستایش و نیایش را در انسان ذاتی خوانده اند.

* قهرمان دوستی در انسان میلی فطری و طبیعی است و آدمی در برابر قدرت فوق العاده طبیعت خاضع است.

* بی نهایت طلبی ریشه در درون و ذات آدمی دارد.

* تأثیرپذیری و حساسیت از ویژگیهای حیوان و مخصوصا انسان است.

* میل به خلود و جاودانگی را افرادی چون فروید هم پذیرفته و آن را غریزه دانسته اند.

* روانکاوان معتقدند که سعادت طلبی در درون آدمی ریشه دارد و هر کس در زندگی آن را وجدان می کند.

* جاذبه های خانوادگی و ملاحظات عاطفی خود زمینه ساز پذیرش اوامر و نواهی است و همه والدین از این زمینه برای تربیت استفاده می کنند.

* احساس تعلق در آدمی سبب تسلیم شدن به رأی ها و نظریه هاست و هرکس آن را لااقل درباره فرزند خود تجربه کرده است.

* (و سرانجام) وجود مبانی باورهای متافیزیکی در درون انسان و تجلیات آن در سنین ۷ تا ۸ سالگی مشهود است.

اینها و چندین مورد دیگر زمینه هایی برای جهت دادن کودک به رعایت تعالیم مذهبی می باشد.

۱۱ _ قواعد و مراقبت ها

اشاره

در تربیت دینی کودکان، قواعد و مراقبتهایی مورد نظرند که ما به اختصاربه ذکر آن می پردازیم.

۱۱ _ ۱ _ قواعد: در این جنبه به تکامل باید عنایت شود. اهم این قواعد عبارتند از:

الف) قاعده محبت: به این معنی که کودک از راه محبت و دوستی بهتر پیش می رود تا از راه خصومت و دشمنی؛ پس محبت خود را در این راه دریغ نداریم.

ب) قاعده لذّت: و آن جالب و جاذب داشتن نماز است، به گونه ای که کودک از آن احساس لذّت کند.

ج) قاعده تحسین و تشویق: که در آن می کوشیم با ستایش از عمل کودک، کار را در نظر او زیبا جلوه دهیم.

د) قاعده انذار: که در آن گاهی کودک را به نماز امر می کنیم و یا او را به عقوبت الهی و از دست دادن محبت افراد مورد علاقه اش هشدار می دهیم.

ه) قاعده مسامحت: بدین معنی که همه گاه مته بر خشخاش نمی گذاریم و گاهی غفلت ها و سهل انگاریهای کودک را نادیده می گیریم و سعی داریم برخورد ما با او بر اساس فضل باشد.

و) قاعده سهل گیری: بدین معنی که سعی کنیم عمل عبادی بر کودک سخت و دشوار نیاید؛ زیرا خدای تعالی فرمود: «یرید اللّه بکم الیسر و لا یرید بکم العسر»، همچنین رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «بعثت علی شریعه سهله و سمحه»

ز) قاعده تدریج: غرض این است که ما کودک را یکباره و ناگهان نمی توانیم عابد و زاهد کنیم. این کار باید تدریجا صورت گیرد. ابتدا نماز بی وضو، بعد دست و صورت شستن، سپس وضوی کامل، بعد هم نماز با وضو، و در عین حال گاهی هم نماز بی وضو.

ح) قاعده زمینه سازی: برای قبول روانی نماز یا دیگر عبادات، به گونه ای

که نفس کودک بدان مایل گردد و شخصا از آن استقبال نماید.

ط) قاعده القا: که در آن سعی داریم محبت خداوند را به کودک القا کنیم و بذر مهرش را در دل او بپاشیم؛ به او گوشزد کنیم که خداوند مهربان است، و تو را دوست می دارد و...

ی) قاعده تحریک: که در آن با حالت دادن عبادت خود و یافتن حالی، سعی کنیم در کودک شوق و تحریکی پدید آوریم تا انگیزه ای در او به وجود آید که بخواهد نماز بخواند و همان حال را پیدا کند.

ک) قاعده انس: که در آن می کوشیم کودک را با خدا مأنوس کنیم، نه آنکه او را از خدا بترسانیم. به او بگوییم حرف خودت را به خدا بگو، از او مدد بخواه؛او همیشه حاضر و ناظر است، حرف تو را می شنود و در کنار توست.

۱۱ _ ۲ _ مراقبتها:

در زمینه مراقبتها هم نکاتی مورد نظرند که اهم آنها عبارتند از:

الف) مراقبت در آغاز تمرین نماز؛ که بهتر است از همان سنین خردسالی باشد. زیرا بعدها طفل سرگرمی هایی پیدا می کند و اجرای نماز برای او ممکن است، دشواری آفرین باشد.

ب) مداومت در عمل و تمرین و تکرار؛ تا اینکه زمان و اجرای برنامه برای او عادت شود (عادت برای قبول انجام نماز است، نه کیفیت اجرا که باید هشیارانه باشد).

ج) اصل اعتدال و در نظر داشتن ظرفیت روانی کودک؛ که کثرت و شدّت عبادت برای او زدگی پدید نیاورد یا اصرار نکنیم که او نمازهای مستحبی بخواند یا ذکر رکوع و سجود را طولانی کند.

د) ثبات در روش؛ و در آن اصل را بر این قرار دهید که همه گاه نماز را در اول وقت بخوانید، نماز را بر همه کارها مقدم بدارید، برنامه نماز را همه وقت جاذب و مطبوع بسازید و...

ه) مراقبت در جنبه الگویی خود از همه جهات؛ حتی در حساسیت نشان دادن به وقت نماز و صدای اذان که خود یک دعوت است و صلای بار عام خداوند و مراقبت در تقوا و پاکی از گناه و...

و) مراقبت در برقراری نماز به عنوان یک فریضه؛ که البته بعدها باید با فهم و بصیرت و هشیاری و خواست درونی همراه شود.

ز) مراقبت های دیگر...

۱۲ _ پرهیزها

در واداشتن کودک به نماز، پرهیزهایی از سوی والدین و مربیان باید مورد نظر باشد تا نماز موجب نفی و ترک نگردد. آن پرهیزها عبارتند از:

الف) پرهیز از خسته کردن کودک با برنامه های اضافی و تعقیبات نماز یا بیدار کردن کودک از خواب شیرین برای نماز شب!!

ب) پرهیز از اشغال وقت لذت کودک، مثلاً در گرما گرم یک بازی جالب یا تماشای یک فیلم جاذب نمی توان کودک را به نماز واداشت، مگر آنکه از پیش برنامه حذف آن طرّاحی شود.

ج) پرهیز از اعمال قدرت و انذار در آغاز کار، مخصوصا در سنین خردسالی که در آن بخواهند کودک را به زور وادار به نماز کنند.

د) پرهیز از شل گرفتن یا استخفاف به نماز و آن را به خنده و ادا و اطوار برگزار کردن.

ه) پرهیز از تفکیک نماز ظهر و عصر، مغرب و عشاء در خردسالی، که امام صادق علیه السلام فرمود: ما نماز را برای کودکان به صورت جمع می خوانیم ... این کار سبب می شود که کودک احساس وقت گیری و اشتغال بسیار نداشته باشد.

و) پرهیز از دعوت به نماز در وقتی که به تازگی کودک را تنبیه کرده اید و او هنوز نسبت به شما خشمگین است.

ز) پرهیز از خشکی و بی روحی نماز که در قبل و بعد از آن احساس آمادگی یا لذت نماز از بین برود.

ح) پرهیز از ذکر غلاظ و شداد خدا برای تارکان نماز در سنین قبل از ۸

سالگی؛ زیرا از نظر روانی به مصلحت کودک نیست که خداوند را به خشم و غضبش بشناسد.

ط) پرهیزهای دیگر

* پایان بخش این کتاب را دعای حضرت ابراهیم علیه السلام قرار می دهیم که در قرآن مجید آمده است و همه با هم زمزمه کنیم که:

«رَبِّ اجْعَلْنی مُقیمَ الصَّلَوهِ وَ مِنْ ذُرِیَّتی رَبَّنا وَ تَقَبل دُعاء»

والسلام علیکم و رحمه الله و برکاته

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که مـا را در دستیـابی به این هـدف یـاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادنـد تقـدیر و تشـکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصـفهان -خیابان عبـدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شـهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹


مرکز تحقیقات رایانه ای
قائمیه
اصفهان
www
برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹